نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست ویکم- شماره ٨٨٤ یکشنبه ٢٨ بهمن ١٣٩٧ - ٨ صفحه - ١٠٠٠ تومان




محکومیت حمله به خبرنگار گناوه ای:

**حمایت از آزادی اهل قلم، جامعه خبرنگاری و الیاس احمدحسینی**

صفحه ٨



**پیام تسلیت جمعی از فرهنگیان، روزنامه نگاران، دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان و کنشگران مدنی استان بوشهر به مناسبت درگذشت بانو پوران شریعت رضوی**

صفحه ٣

# سرنوشت شاهین در انتظار پارس جنوبی جم

صفحه ٧





عکس از اسدالله آذین خواه



معاون امور عمرانی استاندار بوشهر:

## حضور رئیس جمهور در استان بوشهر نویددهنده تحقق طرح‌های اثربخش عمرانی است

صفحه ٢

نسیم جنوب
خبر
شماره ۸۸۴ یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

**معاون استاندار بوشهر:**

## همه مدیران و سازمان‌ها باید حامی کارآفرینی باشند



معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استاندار بوشهر گفت: نهادها و بانک‌ها از مانع‌تراشی جلوی پای کارآفرین پرهیز کنند و مدیران باید حامی کارآفرینی باشند.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، سعید زرین فر در جشنواره بین‌المللی تجربیات برتر کارآفرینی در بوشهر اظهار داشت: وظیفه خود می‌دانیم که از کارآفرینی حمایت کنیم و همه ما باید کارآفرین با حامی کارآفرین باشیم.

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استاندار بوشهر بیان کرد: کارآفرین با زاویه دیدی متفاوت‌تر به شرایط فراتر از شرایط موجود می‌اندیشد.

وی تصریح کرد: یک کارآفرین آینده‌نگر و آینده‌نگار است و کاری را امروز آغاز می‌کند ولی نگاهش به آینده است تا شرایط متناسب با آن را فراهم کند. زرین فر بیان کرد: امروز در جامعه نگاه به بحث اشتغال است که لازمه ایجاد و پایداری این اشتغال ایجاد شده ارزش‌آفرینی است که این مهم در حوزه کارآفرینی به خوبی قابل تحقق است. شخصیت کارآفرین شخصیتی ممتاز است به‌گونه‌ای که منجر به نیاز امروز جامعه یعنی اشتغال می‌شود.

## حادثه برای بیل‌مکانیکی در بوشهر یک نفر جان باخت

بر اثر تخریب آسفالت در جریان فعالیت یک بیل مکانیکی در بوشهر یک نفر جان باخت و یک نفر به شدت آسیب دید.

به گزارش خبرنگار مهر، بر اثر فعالیت یک دستگاه بیل مکانیکی در بوشهر (روبروی قدمگاه عباسعلی) دو نفر بین آوار قرار گرفتند که بلافاصله مردم برای نجات این افراد وارد عمل شدند تا آتش‌نشانی به محل حادثه برسد.



یک نفر در محل حادثه فوت شد و یکی دیگر از افراد گرفتار نیز که وضعیت مناسبی نداشت به بیمارستان خلیج فارس منتقل شد.

**مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر:**

## انجمن های فرهنگی بازوی توانمند ارشاد محسوب می شوند

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: انجمن های فرهنگی و هنری به عنوان بازوان توانمند ادارات کل استان ها نقش اساسی در تحقق اهداف این بخش ایفا می کنند.

به گزارش ایرنا، فاطمه کرمپور در بازدید از انجمن های فرهنگی و هنری استان بوشهر اظهار داشت: ایجاد زیرساخت های فرهنگی و هنری در تحرک و پویایی فعالیت های فرهنگی و هنری سهم بسزایی دارد که اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به سهم خود در این عرصه نقش آفرینی می کند.

وی بیان کرد: ظرفیت خوبی در بخش زیرساخت های فرهنگی و هنری استان بوشهر وجود دارد که با داشتن هنرمندان مستعد باید شرایط را برای کسب مقام های برتر در سطح ملی و بین المللی فراهم کرد.

کرمپور اظهار داشت: هنر بهترین شیوه برای انتقال فرهنگ است که باید بخوبی از این ظرفیت استفاده شود.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: انتظار است با همدلی و هم افزایی علاوه بر اجرای برنامه ها و سیاست های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط انجمن های فرهنگی و هنری در حل مسائل و مشکلات موجود نیز گام اساسی برداشته شود. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید خود از انجمن های فرهنگ و هنری متنوعی از جمله انجمن های خوشنویسان، موسیقی، هنرهای تجسمی و نمایشی بازدید و در باره برگزاری کلاس‌ها و فعالیت‌های انجمن ها با فعالان این عرصه گفت و گو کرد.

**محک در همایش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اولین گزارش خود را بر اساس مدل GRI ارائه می‌دهد:**

# دسترسی نیکوکاران به اطلاعات دقیق و شفاف از عملکرد مؤسسه خیریه محک

گزارش‌دهی اهمیت بسیاری در پیشبرد اهداف سازمانی دارد. این امر در سازمان‌های مردم‌نهاد که بایستی براساس اصول شفافیت و پاسخگویی فعالیت کنند، اهمیت دوچندان می‌یابد. بر همین اساس است که در پنجمین همایش بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها که ۶ اسفند ماه در محک برگزار می‌شود، این مؤسسه خیریه نخستین گزارش پایداری خود بر اساس مدل استاندارد گزارش‌دهی GRI را به منظور آشنایی مخاطبان و ارتقای شفافیت در عملکرد خود ارائه می‌دهد.



دکتر آراسب احمدیان، دبیر این همایش و مدیرعامل مؤسسه خیریه محک در این باره گفت: «یکی از استانداردهای بین‌المللی در خصوص توجه به مسئولیت اجتماعی، مدل GRI است. این مدل به عنوان قابل اعتمادترین مدل گزارش‌دهی در جهان معرفی شده و هم‌راستا با اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGS) و توجه ویژه به موضوع پایداری، سه حوزه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی را در برمی‌گیرد.»

وی توجه به موضوعات کلانی چون مسئولیت‌پذیری در قبال محصولات، خدمات و منابع مالی مورد استفاده را مهم‌ترین موضوعات حوزه اجتماعی دانست و ادامه داد: «محک در پنجمین همایش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اولین گزارش خود را که براساس مدل GRI با هدف مسئولیت‌پذیری در برابر سه حوزه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی تنظیم شده است، به منظور دسترسی ذیربطان سازمان به اطلاعاتی دقیق و شفاف متناسب با نیازهایشان ارائه می‌دهد.»

دبیر پنجمین همایش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها افزود: «گزارش‌دهی بر اساس مدل GRI کمک می‌کند تا این مؤسسه گامی بلند در راستای تحقق اهداف خویش بردارد و با استفاده بهینه از منابع، مأموریت خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهند. محک باور دارد ارائه گزارشات شفاف از عملکرد سازمان بر اساس مدل گزارش‌دهی GRI موجب نیازسنجی تخصصی و برنامه‌ریزی در خصوص شیوه اداره و عملکرد سازمان‌ها، به خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد، خواهد شد.»

**معاون امور عمرانی استاندار بوشهر:**

## حضور رئیس جمهور در استان بوشهر نویددهنده تحقق طرح‌های اثربخش عمرانی است



معاون امور عمرانی استاندار بوشهر گفت: حضور رئیس جمهور در استان بوشهر نویددهنده تحقق طرح‌های اثربخش عمرانی است.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، جلسه‌ای به ریاست مهرداد ستوده معاون امور عمرانی استاندار و با حضور نماینده شهرستان‌های جنوب استان در مجلس، فرماندار جم، شهرداران، رؤسای شوراها، نمایندگان دهیاران و رؤسای شوراهای بخش‌های ۴ شهرستان جنوبی با دستور کار هم‌اندیشی در خصوص پروژه‌های عمرانی قابل طرح در سفر دکتر روحانی رئیس جمهور و هیأت همراه به استان بوشهر در فرمانداری جم برگزار شد.

در ابتدای جلسه، محمد حسینی فرماندار جم حضور رییس جمهور در جنوب استان بوشهر را یک فرصت مناسب برای محقق کردن برخی خواسته های دیرینه مردم دانست.

مهرداد ستوده معاون امور عمرانی استاندار بوشهر در ادامه جلسه با تقدیر از حضور گسترده مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن اظهار داشت: حضور امروز مردم نشان داد که ما در مقابل عظمت و بزرگواری مردم هر کاری انجام دهیم باز هم کم است و باید شبانه‌روزی فعالیت کنیم تا بتوانیم رضایت خاطر مردم شریف ایران اسلامی و استان بوشهر را فراهم کنیم.

ستوده تصریح کرد: مردم شریف و بزرگوار ایران اسلامی نشان دادند که با بزرگواری، متانت و تعصب نسبت به نظام و آرمان‌های امام راحل و مقام معظم رهبری در لحظه‌های حساس، همیشه در کنار نظام و انقلاب خود هستند و از کیان کشور خود دفاع می‌کنند.

وی یادآور شد: امروز خدمت شما نمایندگان مردم و مسئولان رسیدیم تا با همفکری، مطالبات واقعی را به استحضار رئیس جمهور و هیئت دولت برسانیم.

معاون عمرانی استاندار بوشهر از همکاری و هم‌افزایی حضار برای محقق شدن افتتاح حدود دو هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان پروژه در هفته دولت و دهه فجر امسال تشکر و قدردانی کرد.

سکینه الماسی نماینده شهرستان‌های دیر، کنگان، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی نیز در این نشست با تقدیر از مسئولان و مدیران استان به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود پرداخت.

**شهردار بوشهر:**

## ایجاد سامانه هوشمند ترافیک در بوشهر

شهردار بوشهر از ایجاد سامانه هوشمند ترافیک خبر داد و گفت: نقاط حادثه‌خیر اصلاح می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، سید نورالدین امیری در جمع خبرنگاران اظهار داشت: اولین اولویت کاری خود را بر ساماندهی پروژه‌های مشکل دار و توجه به مطالبات عمومی در حوزه خدمات شهری متمرکز کردم.

وی افزود: وضعیت روگذر میدان آزادی و چرخ فلک بوشهر به عنوان دو پروژه ای که خواسته مردم برای ساماندهی و تکمیل آن بوده در اولویت قرار دادم که امروز شاهد هستیم که در این دو پروژه اتفاقات خوبی رقم خورده است.

شهردار بندر بوشهر تصریح کرد: اگر چه تقاطع غیر هم سطح میدان آزادی بوشهر از واپسین لحظات سال گذشته بر روی ترافیک قرار گرفت اما نیاز بود که عیوب این پروژه به خوبی احصاء و زمینه لازم برای اصلاح آن فراهم شود.

امیری با قدردانی از اعضاء شورای اسلامی شهر بوشهر یادآور شد: در این راستا و پس از رفع یک سری از مشکلات مالی و حقوقی با پیمانکار، اقدام به مقاوم سازی پشت ستون ها، اصلاح گاردریل های محافظتی، جابجایی خطوط آب و فاضلاب کردیم و با پیگیری های انجام شده تا پایان امسال زیباسازی و اجرای فضای سبز آن نیز انجام می شود.

### تکمیل چرخ و فلک بزرگ بوشهر

وی عنوان کرد: دیگر پروژه که بخش عمده ای از هزینه های خود را دریافت اما اقدامی جدی در جهت اتمام آن نکرده بود پروژه چرخ فلک بود که با دعوت از سرمایه گذار و رفع یک سری مشکلات حقوقی و در چارچوب قرارداد، فعالیت این پروژه از سر گرفته شد و اکنون نیز درصد پیشرفت فیزیکی خوبی دارد که سرمایه گذار قول داده تا قبل از عید نوروز آن را تحویل دهد.

شهردار بندر بوشهر یادآور شد: همزمان با اجرای پروژه چرخ فلک، محوطه سازی، ایجاد پارکینگ، ساخت سرویس های بهداشتی و ساحل سازی در کنار ان در حال انجام است تا در زمان بهره برداری مشکلی در این خصوص وجود نداشته باشد.

### توسعه متوازن حوزه شهری

امیری با اشاره به دیگر فعالیت های انجام شده در طی مدیریت بر شهرداری بندر بوشهر گفت: در راستای توسعه متوازن حوزه شهری، نگاه خاصی به مشکلات مناطق کالبدی شهر بوشهر در جنوب این شهر داشته ام که در کنار آسفالت کوچه های خاکی، ایجاد پارک های محله ای، بازگشایی گذرها و ساماندهی دره ریشهر نیز در دستور کار قرار گرفته است.

وی ادامه داد: برای سال آینده ساخت سرای محله با هدف تقویت محلات و با اجرای برنامه های فرهنگی از طریق ایجاد یک سری کانون های فرهنگی، هنری و ورزشی در این سرامحله ها انجام می شود که سهم





Photo: Farideh Jafarizadeh Persian Gulf Agency

خوبی برای محلات جنوبی شهر بوشهر پیش بینی شده است.

شهردار بندر بوشهر در خصوص جدیدترین پروژه های در دست اجرای شهرداری بندر بوشهر بیان کرد: در کنار نصب پل عابر پیاده نیایش، اصلاح کف پوش و پیاده روها و ساماندهی وضعیت کانال های آب سطحی در اطراف میادین معراج، فرودگاه، ساعت،





شهرداری و خیابان های امام خمینی، شهید عاشوری، فرهنگ و جمهوری، دو پروژه بزرگ لیان و روگذر میدان مطهری تا پیش از سال جدید به مناقصه و تشریفات قانونی می رود.

امیری عنوان کرد: در صورت تحقق بودجه ای این دو پروژه پیش بینی می شود که پروژه لیان و میدان مطهری به ترتیب پس از یک و دو سال آماده بهره برداری شود.

### اصلاح هندسی معابر شهری

وی ادامه داد: برای اجرای جاده دسترسی از سرتل به نیروگاه نیز تلاش می کنیم که در صورت تامین بودجه آن، این پروژه نیز از سال آینده وارد فاز اجرایی می شود.

شهردار بندر بوشهر با اشاره به رفع نقاط حادثه خیز شهری عنوان کرد: اصلاح هندسی معابر شهری و استفاده از ظرفیت برخی از خیابان ها را در دستور کار قرار داده ایم که بازگشایی مسیر خیابان ساحلی در محدوده پارک صدف به سمت میدان شهید رئیس علی دلواری پس از ایمن سازی و ایجاد یک چراغ راهنمایی به همراه مناسب سازی میدان انتظام و سه راه امام زاده در کنار برخی از نقاط شهری از این جمله است.

امیری یادآور شد: در راستای ایجاد سامانه هوشمند ترافیک شهری، نصب دوربین های ترافیکی در دستور کار قرار گرفت که تاثیر به سزایی در روان سازی ترافیک و کاهش جرائم رانندگی داشته است.

## تضیبع حق آموزش و پرورش استان بوشهر در معافیت‌های مصرف انرژی



مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر از تضییع حق آموزش و پرورش استان بوشهر در استفاده از معافیت‌های مصرف انرژی به خاطر مصرف بالای برق و مصرف پائین گاز خبر داد.

به گزارش خبرنگار مهر، ناصر کرمی گفت: جایگاه آموزش و پرورش استان با آن چه مدنظر برنامه ریزان آموزشی استان در آموزش و پرورش است شایسته تاریخ و مردم شریف بوشهر نیست و باید جایگاه آموزش و پرورش در این سال ها جایگاه بهتری باشد.

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر افزود: در سال های اخیر روند رو به رشدی در شاخص های مختلف آموزشی و پرورشی داشتیم ولی هدف اصلی آموزش و پرورش استان قرار گرفتن در نیمه بالای استان ها و نگاه بلندمدت استان، قرار گرفتن در بین چند استان برتر در شاخص های آموزشی و پرورشی است.

کرمی ابراز داشت: دوری از مرکز، بدی آب و هوا، مهاجرت نیروی انسانی با تجربه از استان، هزینه بالای زندگی و کمبود امکانات در زمینه های متفاوت باعث افت کیفیت آموزشی و عدم دسترسی به جایگاه مطلوب استان است.

وی یادآور شد: در سال های گذشته به دلیل مزایای مناطق کم برخورداری همچون بوشهر در حقوق ها، نیروهای آموزش توانمندی وارد استان می شدند ولی اکنون آموزش و پرورش استان به اجبار باید از نیروهای آزاد و حق التدریس استفاده کند که این امر بر کیفیت آموزشی تأثیر دارد.

مدیرکل آموزش و پرورش استان با اشاره به این که در قانون برنامه توسعه ششم، رایگان شدن مصرف انرژی از احکام برنامه بوده است یادآور شد: طبق نامه رسیده از وزارت متبوع، سقف عددی معینی برای مصرف انرژی مدارس در نظر گرفته شد.

وی افزود: معافیت ۱۸۱ میلیون تومانی برای آب، معافیت ۷۷۳ میلیون تومانی برای برق و معافیت مصرف گاز را همین طور اعلام کرده اند. بوشهر به عنوان یک منطقه گرم که همه مدارس آن فقط ۱۴ میلیون تومان مصرف گاز دارند نمی تواند از این معافیت ها سود لازم را بهره گیری کند و با مصرف برق ۳ میلیارد و ۳۸۰ میلیون تومانی حق آموزش و پرورش استان ضایع می شود.

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۸۸۴ یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

## مشارکت و گفت و گو؛ هم استراتژی، هم تاکتیک!

مهران صولتی

جامعه ایران بیش از دو سده است که در عطش توسعه می سوزد و منابع خود را صرف می کند. دستاوردهایی هم اگر چه در این مدت حاصل آمده ولی به دلیل همسان انگاشتن توسعه با رشد یا پیشرفت، کمتر از حد انتظار بوده است. در این مدت اگر چه ایرانیان شهری تر، مرفه تر، برخوردارتر و مدرن تر شده اند ولی ترکیب ایجاد شده از بی قواره گی های بسیاری رنج می برد. به طور مثال هنوز هم قانون مداری به یک خواست ملی از سوی مردم و حاکمان تبدیل نشده است. قانون زمانی خوب است که فقط از سوی دیگران رعایت شود! در طرف حکومت نیز قانون به قدری از سوی استثنائات مختلف تبصره خورده که اصل برابری همگان در مقابل آن کاملا مخدوش شده است. همچنین با گسسته شدن پیوندهای اجتماعی شاهد افول اعتماد عمومی و سقوط سرمایه اجتماعی هستیم. اگر چه بدیهی است که نمی توان در روزگار مدرن شاهد وجود مناسبات سنتی از جنس پیوندهای عاطفی و خانوادگی گذشته بود ولی بی عملی جامعه در جهت ترمیم روابط از هم گسیخته اعجاب آور به نظر می رسد. رشد فزاینده آسیب های اجتماعی، طلاق، افسردگی و بی تفاوتی از عوارضی است که نتوانسته ایم تاکنون شتاب آنها را کند نماییم. در روزگار مستهلک شدن بسیاری از ارزش های اجتماعی و مذهبی شاید بتوان چشم امید به احیای دو ارزشی دوخت که به دلیل بی عنایتی های موجود هنوز هم قابلیت استحصال را دارند. سخن از "مشارکت" و" گفت و گو" است که چون از جنس سرمایه های اجتماعی هستند هر چه بیشتر مورد استفاده قرار گیرند سرشارتر و پرمایه تر می شوند. در روزهای اخیر و با ابتکار دکتر بطحایی شاهد انتخابی شدن سه عضو از شورای عالی آموزش و پرورش هستیم. قرار است فرهنگیان کشور در انتخاباتی مجازی از میان همکاران خود این سه عضو را برگزیده و برای عضویت در این شورا معرفی نمایند.

رویدادی که موجب شده شور و نشاطی قابل توجه در گروه های فرهنگیان سراسر کشور ایجاد شود. مشارکت و گفت و گو بر سر مسائل آموزش و پرورش فراگیرتر شده و نامزدها هم می کوشند تا دغدغه های خود درباره آینده این نهاد را آشکارتر مطرح سازند. فارغ از نتیجه انتخابات برانگیخته شدن حساسیت های عمومی درباره مسائل آموزش و پرورش می تواند گامی مهم در مسیر هژمونیک شدن این گفتمان در سپهر فرهنگی - سیاسی کشور باشد. روشن است که تا مشارکت بیشتر و گفت و گوهای سازنده تری درباره مشکلات این نهاد صورت نگیرد امکان برون رفت از وضعیت معیوب کنونی قابل تصور نیست. برای آینده بهتر ایران راهی جز این نداریم که مشارکت و گفت و گو را هم به عنوان استراتژی و هم به عنوان تاکتیک در نظر بگیریم.

# طبقه متوسط، نقطه تعادل جامعه

سجاد بهزادی



– فارغ از اینکه آیا هنوز می توانیم از طبقه سخن بگوییم یا خیر، خود حدیث مفصلی دارد اما به بلندای تاریخ می دانیم از ارسطو تا مارکس تا بوردیو که طبقه متوسط چقدر برای هر جامعه ای محل اعتناء بوده است.

– نزد ارسطو، همین طبقه متوسط شایسته ترین گروه برای حکومت کردن اند چون هم بیش از همه میل به قانون دارند و هم از افراط و تفریط سیاسی گریزانند. حکومت مطلوب ارسطو، حکومت طبقه متوسط بود که به نظر او معتدل و میانه رو هستند. مارکس هم اگر چه به تدریج طبقه کارگر را محملی برای تحول خواهی و آرزوهای خود اعلام کرد اما طبقات متوسط را نیروی محرک مدرنیزاسیون هر جامعه می دانست.

– طبقه متوسط در ایران نیز روایت پر فراز و نشیبی دارد. به باور بسیاری از صاحبنظران، نقش این طبقه در جنبش مشروطه و جنبش ملی کردن صنعت نفت و انقلاب اسلامی، هر کدام به شکلی تعیین کننده بوده است. آنقدر تعیین کننده، که این تحولات بدون طبقه متوسط ناقص و یا حتی به سرانجام نمی رسید اما امروزه طبقه متوسط در ایران، حال و روز خوبی ندارد اگر چه دولت اصلاحات به لحاظ مدنی و بسترهای فکری و حتی اقتصادی توانست طبقه متوسط را در متن جامعه مورد توجه قرار دهد اما در دوره احمدی نژاد طبقه متوسط تضعیف شد و دولت بیشتر مواقع تلاش کرد تا مطالبات طبقات فرودست را محور خواسته‌های عمومی در ایران معرفی کند. اکنون طبقه متوسط ایران با چالش های عمیقی مواجه است.

– یکم: طبقه متوسط در ایران امروز عاملیت ندارد و هر روز انزوای جدیدی به خود می گیرد. طبقه متوسط در ایران امروز اگر چه در معرض آگاهی های فزون تری نسبت به قبل است اما سیاست ورزی نمی کند. گویی این طبقه برای تغییر و اصلاح دیگر انگیزه ای ندارد.

– دوم: شکل های اجتماعی و مدنی که عمدتاً می توانند به تقویت بنیه طبقه متوسط کمک کنند در ضعیف ترین موقعیت خود قرار دارند و مشارکت های عمومی در آنها با هیچ فراخوانی مطلوب نظر نخواهد بود.

– طبقه متوسط فقیرتر شده است و مانند فقرا آنقدر درگیر مسائل روزمره خود هستند که انگیزه تغییر مستمر نداشته و برای بهبود وضعیت خود مشارکتی در نهادهای مدنی نمی کند. اگر هم جایی نشانی از تحول خواهی و مدرنیزاسیون دیده می شود نسبتی با طبقه متوسط ندارد و عموما توسط طبقه سرمایه دار روشنفکری اداره می شود که رفتار طبقه متوسط را دارند و خود در این طبقه نیستند.

– سوم: مشکلات اقتصادی چنان سنگینی می کند که دیگر طبقه متوسط دغدغه اصلی خود را مانند کسب حقوق مدنی، عدالت اجتماعی، برابری فرصت ها، کرامت شهروندی و آزادی، به شیوه مشارکت های اجتماعی و مسالمت‌آمیز فریاد نمی زند. اکنون طبقه متوسط در ائتلافی ناخواسته با طبقه فقیر جامعه قرار دارد. اگر چه همانگونه که "دافونسکا" نیز طبقه متوسط را توصیف می کند این طبقه هرگز تسلیم زندگی فقیرانه نمی شود و برای فداکاری به منظور دستیابی به زندگی بهتر تلاش می کند.

– توکویل اعتقاد داشت دموکراسی آمریکا یک بار و برای همیشه نشان داده است که طبقه متوسط می تواند با شعور عملی بر کشور خود حکومت کند. البته حالا دیگر با ظهور ترامپیسم وضعیت طبقه متوسط امریکا نیز به شدت تغییر کرده است.

– طبق نظریه دیگری که دوتوکویل بعنوان نقش طبقه متوسط در جامعه مورد بررسی قرار می دهد نظریه ای است که در آن از طبقه متوسط به عنوان نقطه ی تعادل بخش جامعه یاد شده و وجود طبقه ی متوسط را موجب ثبات در جامعه می داند. تصمیم سازان و تصمیم گیران در بعد از چهل سالگی خود می بایست به این نقطه تعادل بخش بیشتر تمرکز کند و با اعتناء به طبقه متوسط این نقطه را تقویت کند. تقویت این طبقه به معنای چیرگی آن در معادلات سیاسی اجتماعی جامعه نیست، بلکه به ثبات جامعه کمک می کند.



## هوای یکدیگر را داشته باشیم

محمد فاضلی

- مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه آمریکا در دولت بیل کلینتون زمانی اعتراف کرد که تحریم‌ها علیه عراق منجر به کشته شدن پانصد هزار کودک عراقی شد (گزارش مؤسسه ران پل). این اعتراف در کنار سایر بررسی تحریم‌های اقتصاد علیه کشورها نشان می‌دهد تحریم در درجه اول و بیش از هر گروه دیگری، مردم و ضعیف‌ترین مردم را تحت فشار قرار می‌دهد و به نابودی می‌کشاند.

- دولت‌ها باید به گونه‌ای تدبیر کنند که مردم‌شان تحریم نشوند، اما تحریم‌ها صرف‌نظر از هر واقعیت دیگری، مردم ضعیف را هدف قرار می‌دهند. من علاقه‌ای به توصیه‌های اخلاقی ندارم و همواره ترجیح داده‌ام روی اخلاق مردم تأکید نکنم، اما تحریم‌های آمریکا از سیزده آبان تشدید می‌شوند و اگرچه بخش عمده آن‌ها اعمال شده، اما تجربه نشان می‌دهد مردم تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند.

- اگرچه کماکان باید با در درجه اول با جدیت دولت و نظام را مخاطب قرار داد و از ایشان برای چاره کردن این وضعیت مطالبه کرد، ایده‌های بهتری برای حل مشکلات ارائه داد و به دولت و نظام برای حل مشکلات کمک کرد، اما در برابر



کشورهای متخاصمی که کلیت کشور را هدف قرار داده‌اند و درد و رنج اقدامات‌شان بر مردم وارد می‌شود، اندیشیدن به توصیه‌های اخلاقی هم بی‌فایده نیست. آن‌چه به عقل من می‌رسد این است که اگر توان اقتصادی داریم (به قدر توان‌مان) در زمینه‌های زیر هوای یکدیگر را داشته باشیم.

- خانواده‌هایی هستند که معلول دارند و هزینه دارو، درمان و خرید تجهیزات پزشکی آن‌ها سنگین است. اگر می‌توانیم بخشی یا همه هزینه‌های یک معلول را قبول کنیم.

- خانواده‌هایی هستند که نوزاد و کودک خردسال دارند، و هزینه تغذیه، پوشاک، بهداشت و درمان این کودکان را به سختی تأمین می‌کنند. اگر می‌توانیم هزینه زندگی یک کودک را تأمین کنیم. مبادا کودکی در ایران بر اثر تحریم‌ها جان دهد.

- زنان و مردانی هستند که بر اثر تعطیلی بنگاه‌ها ناشی از شرایط اقتصادی و تشدید تحریم‌ها بیکار می‌شوند. اگر می‌توانیم کار حتی پاره‌وقت برای‌شان جور کنیم یا به اندازه حداقل‌ها کمک‌شان باشیم.

- زنان سرپرست خانواری هستند که شغل‌شان را از دست می‌دهند. آن‌ها بسیار در معرض آسیب و خطر هستند. آن‌ها را فراموش نکنیم.

- اگر می‌توانیم برای تمیز کردن خانه‌مان، بیشتر از گذشته کارگر به خانه بیاوریم.

- اگر قصابی، سوپری یا میوه‌فروش محله هستیم، چند خانوار کم‌توان را در ذهن داشته باشیم و به قدر وسع، نگذاریم احساس بی‌پناهی کنند.

- اگر مدیر هستیم، بن‌های کالایی را که بین مدیران اداره توزیع می‌کنند، به کم‌توان‌ترها واگذار کنیم.

- اگر واقعاً دو سه یا پنج هزار تومان برای شما مبلغ قابل توجهی نیست، می‌توانید باقی‌مانده پولی را که به راننده اسنپ می‌دهید پس نگیرید.

- یکی دو ساعت وقت بگذاریم، حتماً یک خیریه معتبر پیدا می‌کنیم که قادرند ما را به یک خانواده، معلول، کودک، یا بیکار و از کارافتاده نیازمند وصل کنند.

- ما حتماً دولت را برای مبارزه با فساد، چاره کردن تحریم‌ها، تقویت نظام حمایت اجتماعی و بقیه اصلاحات ساختاری تحت فشار قرار می‌دهیم، ایده می‌دهیم و مطالبه می‌کنیم؛ و کارآمدی و تدبیر برای رفع تحریم‌ها را از قدرت سیاسی خواهیم خواست، اما در برابر واقعیت تحریم‌ها باید هوای یکدیگر را هم داشته باشیم. چنان کنیم که هیچ ضعیفی پیش خودش زمزمه نکند:

سلامت را نمي‌خواهند پاسخ گفت
سرها در گريبان است
و گر دست محبت سوي كسي يازي
به اكراه آورد دست از بغل بيرون
كه سرما سخت سوزان است
زمستان است

## پیام تسلیت جمعی از فرهنگیان، روزنامه نگاران، دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان و کنشگران مدنی استان بوشهر به مناسبت در گذشت بانو پوران شریعت رضوی

سرکار بانو دکتر پوران شریعت رضوی همسر زنده یاد دکتر علی شریعتی، در ۸۴ سالگی چشم از جهان فروبست. شادروان بانو شریعت رضوی را می توان در زمره ی انگشت شمار بانوان ایرانی دانست که مدرک دکترای ادبیات خود را از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرد. با وجود این، او هم پیش و هم پس از انقلاب بهمن ۵۷ از حق خود برای تدریس در دانشگاه های کشور و انتقال سرمایه های علمی اش به فرزندان این آب و خاک محروم شد. این بانوی گران ارج به عنوان همسر استاد دکتر شریعتی، همگام با ایشان، دوران زیست مشترک خود با شادروان شریعتی را در تلاطم روزگار سپری کرد و در راه مبارزه برای دستیابی به آزادی و عدالت مرارت ها کشید. ماناباد بانو شریعت رضوی پس از درگذشت استاد شریعتی، و به رغم ناملایمات و کژتابی های فراوان سیاست زمانه که به سال ها کوچ اجباری برخی از فرزندانش به فرانسه انجامید، هم چنان رسالت خانوادگی و اجتماعی خود را پی گرفت و با بردباری شایسته ی تحسین در نشو و نما و بالندگی فرزندان خویش کوشید و فرزندانی صاحب دانش، نیک اندیش و نیک کردار از خود به یادگار گذاشت. بانو شریعت رضوی در حوزه ی فرهنگ نیز کنشگری پرتلاش بود و مدیریت چاپ و نشر آثار همسرش را به عهده داشت.

ما بدرود این بانوی فرهیخته را به خاندان شریعت رضوی و شریعتی و به دوستداران راستین آگاهی، آزادی و دادگری، به ویژه به فرزندان برومند دکتر شریعتی و دکتر شریعت رضوی که همگی از سرمایه های معنوی این مرز و بوم هستند تسلیت گفته، برای آن بانو خشنودی پروردگار و برای بازماندگان ایشان شکیبایی و بهروزی آرزومندیم!

حمید آب آذر، مانسا آزادمهر، نجف آهوچهر، غلامرضا ابراهیمی، علی ابن رومی، الیاس احمد حسینی، اسکندر احمدنیا، حسن احمدی، علی احمدی، ماندانا احمدی، عبدالحسین احمدی ریشهری، صدرالله اسماعیلی، نجیب افراسیابی، محمد رضا اکبری، مهدیه امیری، محمدجعفر ایزدپناه، عالی بازدار، هادی بحرینی، حسین بختیاری آزاد، برنا بدخشان، سینا برازجانی، نعیمه بردستانی، هادی برمکی، حسین بکمی، سیروس بنه گزی، مهدی بهرامی، علی بیداری، حسین پاپری، مریم پرهیزکاری، غلامعلی تمهید، سیدمحمدمهدی جعفری، جعفر جمالی، محمود جمهیری، دارا جوکار، مهدی جهان بخشان، عبدالله حسن ابراهیمی، عبدالخضر حسن ابراهیمی، اسماعیل حسام مقدم، سیدجعفر حسینی، حسین حشمتی، محمدکاظم حق شناس، مصطفی خالق پور، مریم خوئینی، غلامرضا خیاط، علی دباش، محمدرضا دباش، سیداحد درخشنده، سیداکبر درخشنده، سیدرضا درخشنده، سیدحسن درخشنده،علی اصغر درلیک، حمید دشتی فرد، علی ذاکری، مهرنوش ذوالفقاری، حسین رویین، مسلم رویین، محسن روشن، ابراهیم روشن بین، حسین دهقانی، عبدالرسول زاهدی، مسلم زمانی، منصور زنده بودی، احمد سبحانیان، مرتضی سراجی، یوسف سلیمی،زیور سنگری، اصغر سیف بوشهری، حسین شاکری، حمید شاه ولی، جواد شمشیری، نعمت الله شیخ سقا، ایرج صغیری، عباس عاشوری نژاد، محمدباقر عباسی سملی، محمدرضا عزیزپور، راضیه عقیلی مهر، ناصر علیخواه، عبدالرسول غلامی، خضر فرهانی، احمد فکراندیش، ناصر قاسمی، غلامعلی قاضی زاده، محمد قدسی، محمد قنبرپور، محسن قیصی زاده، میثم قیصی زاده، یونس قیضی زاده، محسن کارگر، خدارحم کرم زاده، مهری کرمی، غلامرضا کشاورز، عبدالحسین کنین، نجف گرگین، ابراهیم گرمساری، الهام گنبدی پور، محمدامین گنبدی پور، ناصر گنبدی پور، نعمت الله گنبدی پور، نوید گنبدی پور، فرشید لاری، حسن لاوری، مسعود ماهینی، محمود ملاکی، اسماعیل منصورنژاد، حسام منصوری، مهدی موجی، خلیل موحد، وحید موحد، حمید موذنی، رضا معتمد، اسماعیل مهاجری، اردشیر نخعی، مجید نصوری، محمدحسن نصیری، اکبر نهاری، ایرن واعظ زاده،، بهنام هنری قشقایی، یزدانبخش هنری...



## مستقلِ سرسخت؛ راوی محذوف

### برایِ خاطره پوران شریعت‌رضوی



**آرمان ذاکری:** «مستقلِ سرسخت» نامیدن کسی که مهربانیِ سرشار، اولین و پایدارترین احساسِ شخصی مواجهه با او بوده است، شاید برای کسانی که پوران شریعت رضوی را می‌شناختند، کمی عجیب بیاید. همچنانکه پوران شریعت رضوی را «مستقل» از علی شریعتی طرح کردن کاری دشوار است. احتمالا فمینیست‌ها خواهندگفت تاریخ باید، نگاه مردانه خود را به زندگی زنانه و فداکاریها و تصمیم‌ها و گذشت‌ها و سازندگی‌هایش عوض کند تا بتواند جایگاه مستقل پوران شریعت رضوی را همچون بسیاری زنان دیگر روایت کرده و ارزش‌گذاری کند. همه اینها احتمالا درست است. چنانکه روایت پوران شریعت رضوی، به عنوان یک زن، همیشه تلاشی برای به میدان آوردن حاشیه به متن بود. اما پوران شریعت رضوی را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان روایت کرد. تجربه زندگی پیش و پس از یک انقلاب بزرگ، تحصیل در دانشگاه فردوسی مشهد و پس از آن در پاریس. تجربه خواهر طوفان و آذر شریعت رضوی بودن، همسر علی شریعتی بودن و قرار گرفتن در متن سیاست و مبارزه از آغاز جوانی، پوران را به متن یک زندگی پر تنش دور از یک زندگی شخصی معمولی وارد کرد. خانوادههای پوران همیشه علیه نظم مستقر بوده اند. در اوج دو دوره تاثیرگذار تاریخ معاصر ایران، پیش و پس از انقلاب.

آنچه پوران شریعت رضوی را از نظر اجتماعی - سیاسی واجد اهمیت می‌کند انتخاب آگاهانه «مستقلِ سرسخت» بودن پیش و پس از انقلاب است. یک قدم اشتباه از سوی پوران شریعت رضوی، در همه این دورههای سخت، چه قبل و به خصوص پس از انقلاب کافی بود تا خط فکری -اجتماعی شریعتی، در کلیت یکی از این دو نظام ادغام شده و برای همیشه پرونده اش بسته شود. کافی بود کلامی در یک گفت‌وگو باج بدهد.کافی بود به چهره «همسر معلم انقلاب» حاضر در برنامه‌های تلویزیونی بدل شود، کافی بود در انتخاب مسیر انتشار آثار شریعتی، حتی در ترکیب همکاران نشر آثار، مرتکب اشتباه می‌شد، کافی بود با این جریان یا آن جریان حاضر در ساختار پیوند می‌خورد، کافی بود از ذره ای خشونت از هر سو حمایت می‌کرد تا چیزی از خط فکریِ شریعتیِ همیشه حاضر در موضع «نهضت» و در عین حال گریزان از خشونت باقی نماند. پوران شریعت رضوی اما سرسختانه مقاومت کرد و مستقل ماند؛ از همه نظامها و نظام‌سازان. اگر خط فکری - اجتماعی شریعتی توانسته همچنان مستقل از همه جریانات ادغام شده در قدرت سیاسی، به حیات انتقادی - اجتماعی خود ادامه دهد و امروز در قالب جریان «نوشریعتی» همچنان در جامعه روشنفکری ایران فعال باشد، بی‌تردید انتخاب فکری و منش پوران شریعت رضوی به عنوان یک «مستقلِ سرسخت» نقش مهمی در فراهم شدن امکانات این تداوم حیات داشته است. «منش» که امروز همه‌جا ارزش و اهمیت خود را از دست داده است و کسی به پیوندهای هر «منشی» با ساختارهای فکری معین نمی‌اندیشد. پوران شریعت‌رضوی، همواره به مثابه یک «راوی محذوف» در برابر همه تاریخ‌سازیهای رسمی از شریعتی مقاومت کرد. او خود، تاریخ دیگری بود که با روایت‌های دست اول خود به خصوص از تاریخ پس از انقلاب، با درست زندگی کردن و حفظ موضع انتقادی، ثابت می‌کرد که چگونه خط فکری شریعتی، دست‌کم در روایتی که پوران شریعت‌رضوی و احسان و مجید شریف و بعدها سایر همراهان این مسیر ارائه کردند، هیچ پیوندی با هیچ نظم مستقری قبل و بعد از انقلاب نمی‌توانست داشته باشد. به همین اعتبار پوران شریعت رضوی تا پایان عمر «مستقلِ سرسخت» ماند و یکی از سازندگان و نمایندگان جریانی شد که تا امروز فضیلت خود را ایستادنِ ابدی در موضع «نهضت» و نقد همیشگی ساختارهای سلطه‌یافته می‌داند.

روزنامه اعتماد

ادب و هنر

شماره ۸۸۴ یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۷

NASIM JANOUB

## خرد اهورایی



حیدر عرفان (حشمت)

زبان خرد، گر براری زکام
جهان روشنا گردد و نیکفام
چه، این رأفت جاودانی بُود
که خرم کند هم برازد بنام
اوستا و پَهلَو۱ از این دو- یکیست
امانت رسیده ست از «کَی مرام»
زپندار و گفتار و کردار نیک
رساند ترا سروری و بنام
همه جاودانه ست این پیک خوش
قباله نموده ز راه پیام
بدین در، پیام است و گنج بهی
چنین اسب رهوارِ زرین لگام
«دبیره» سرآغاز نیکی بود
رساند مراین مردمان را ستام
امیدت فرازد پگاه و به شام
به فرزانگی خوش سپارد زمام
چنین فرّهی در کف باهنر
خجسته برآرد جمیع مهام
به شایسته رهرو بود هر زمان
نزیبد پریشی زبان و کلام
سخن ها همه از ره دلخوشیست
چو شمشیر بُرّان که اندر نیام
زهی شادمانی ازین بختِ یار
ترا داده اینک زمان و زمام
ز دریا و خشکی و کوهان، یکان
بتابد فروغ و فروزد مدام
سر سرکشان را به تیغ قلم
کشاند به زیر و نبینند نام
ازین گنج شایان نبینی کمی
روان برمدار و فرازد پیام
چنین خرمی، سرخوشی باد و بس
سزاوار گردی و مانی بکام
بکوش و بباش و هماره بخواه
که بنیاد جانست و شیرین کلام
بدین اختر نیکرخ تازه کن
شگون و رهیدن ز بیدادِ خام
سر از طاعت علم، هرگز متاب
به راهی که بگزیده راه عوام
زغیرت بیفکن مدار بدی
زخوبی به پیمای راه عظام
ازیندو چنانست و همواره گوی
هماننده بوده به شیر و کُنام
اهورای گیهان، سرافرازدت
به شکرانه یابی تو رسم مهام
بدین نیک اختر رخی تازه کن
شگون رسیدن ترا زین مقام
غرامت کشی گر بتابی تو سر
مبادا رَوی تو به هر کوی و بام
که یکجای بودن بسی فَرّهی ست
که هر جا و هر گاه گسترده دام
هماره ره ایزدی برگزین
چنانت پیام و چنینت قیام
***

۱. PAHLAV= زبان پهلوی جنوبی (پارسیک برخاسته از سرزمین پارس).

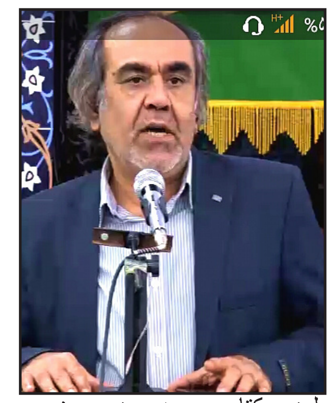
## ساخت مجتمع فرهنگی، آموزشی و رفاهی معلولان بوشهر آغاز شد

با حضور استاندار بوشهر و رئیس سازمان بهزیستی کشور ساخت مجتمع فرهنگی، آموزشی و رفاهی معلولان بوشهر آغاز شد. به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، وحید قبادی دانا در آغاز عملیات اجرایی مجتمع فرهنگی آموزشی و رفاهی تر از معلولان بوشهر اظهار داشت: این مجتمع به عنوان بزرگترین مرکز آموزشی رفاهی معلولان در جنوب کشور محسوب می‌شود که جامعه هدف از برنامه‌های مورد نیاز رفاهی و فرهنگی بهره‌مند می‌شوند.
رئیس سازمان بهزیستی کشور با بیان اینکه مجتمع فرهنگی آموزشی و رفاهی تراز معلولان بوشهر با مشارکت خیران ساخته می‌شود افزود: این مجتمع در کنار آب‌های خلیج فارس شرایط ویژه‌ای در برنامه آموزشی، فرهنگی و رفاهی معلولان فراهم می‌کند. وی با اشاره به اختصاص ۱۵۰ میلیارد ریال برای ساخت مجتمع فرهنگی آموزشی و رفاهی تراز معلولان بوشهر افزود: بر اساس برنامه‌ریزی این مرکز آموزشی رفاهی در مدت ۲ سال با مشارکت استاندار، تسهیلات اعتباری بانکی، خیران و بهزیستی بوشهر ساخته و در اختیار معلولان قرار می‌گیرد.

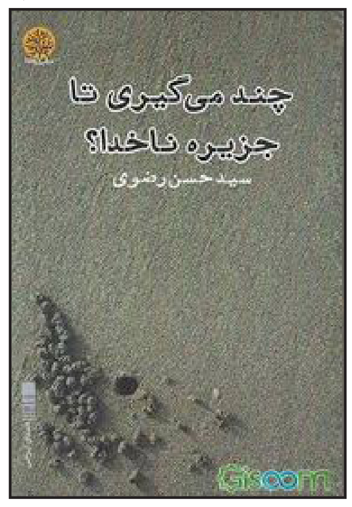
### نگاهی به کتاب چند می گیری تا جزیره ناخدا؟ نوشته سیدحسن رضوی

## دلهره و امید در جزیره ناخدا

اسماعیل بهبهانی



اولین کتاب سیدحسن رضوی روزنامه نگار و عکاس بوشهری با عنوان "چند می گیری تا جزیره ناخدا" چاپ و منتشر شد و طی مراسمی در بوشهر نیز رونمایی شد.
رضوی که متولد و بزرگ شده جزیره خارگ و ساکن تهران است در این کتاب که شامل ۶ داستان کوتاه با نام های: چند می گیری تا جزیره ناخدا؟ - ننه میگه قربون کریمی خدا - دبیمه - مژده - علی باز و مستی اعماق است داستان هایی را روایت می کند که همگی در جغرافیای این جزیره زیبا رخ می دهد و با توجه به تسلط نویسنده به فرهنگ و شرایط زندگی مردمان خارگ این داستانها خوب و روان بیان می شوند.
در داستان اول که اسم کتاب هم از این داستان گرفته شده با شخصیتی مواجه هستیم که پس از چهار دهه دوری و مهاجرت به خارج از کشور پس از آنکه همسرش فوت شده و اطلاع یافته خودش هم به بیماری لاعلاجی مبتلا شده و فرصت زیادی برای ادامه زندگی ندارد قصد دارد به جزیره بعنوان خواستگاه آبا و اجدادی خود برگردد. او که به نوعی جهان وطنی معتقد است عقیده دارد که "وطن تنها نامی قراردادی است که انسان وضعش کرده و این نام می تواند به هر جایی از این کره خاکی اطلاق شود" حالا پس از چهل سال دوری مانند "لاک پشت هایی که گاه تا ۱۵۰ سال عمر می کنند و گاهی تا هزاران کیلومتر طول و عرض دریاها و اقیانوس ها را در می نوردند... اما در نهایت برای زادآوری و یا حتی مردن به زادگاه خود برمی گردند" در حال برگشتن به جزیره بعنوان زادگاه خود است.
سید حسن رضوی در داستان چهارم




کتاب با اسم "مژده" به شرایط زندگی خانواده ای از کارکنان شرکت نفت خارگ در روزهای آغاز جنگ و شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی در موقعیت جنگی می پردازد و با ریزبینی و دقت دلهره و اضطراب و بیم و امید را در شخصیت های داستان به تصویر در می آورد. پایان غیرمنتظره داستان بهت آور است و خواننده زشتی و پلشتی جنگ را با تمام وجود احساس می کند.
چهار داستان دیگر نیز هر کدام از منظری متفاوت به شرایط زندگی- عقاید - فرهنگ و باورهای مردم جزیره می پردازد.
سیدحسن رضوی قبل از انتشار این کتاب در کنار فعالیت های روزنامه نگاری و عکاسی خود چند داستان کوتاه و یا نیمه بلند دیگر هم نوشته که از میان آنها داستان "جزیره جنگ" او برگزیده دومین دوره جشنواره ادبی یوسف و جشنواره صنعت طلایی نفت شده است.
کتاب "چند می گیری تا جزیره ناخدا؟" توسط انتشارات ایجاز تهران در ۷۰۰ نسخه چاپ و منتشر شده است.

## "دیدار آشنا" شاعران جوان کشور در فرهنگسرای منوچهر آتشی

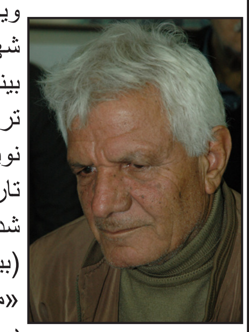
رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران گفت: شاعران موجب ماندگاری و پایایی زبان فارسی و بزرگترین ادامه دهنده و گسترش دهنده فرهنگ این سرزمین هستند.
به گزارش ایرنا، محمد جواد حق شناس در آئین "دیدار آشنا" در فرهنگسرای منوچهر آتشی در بوشهر افزود: سرمایه های معنوی این سرزمین موجب ماندگاری، پایایی و پیشرفت این سرزمین و ملت هستند و به طور یقین در قله این سرمایه های اجتماعی و فرهنگی شاعران به عنوان صاحبان سخن، خلاقان واژه ها، کلمات و ادبیات به شمار می آیند.
وی یادآور شد: باید غبطه خورد که چرا نمی توانیم جایگاه این بزرگان سخن، ادب و سرمایه های میهن را آنگونه که باید پاس بداریم و چرا جایگاه فرهنگ آنطور که باید مورد توجه نیست. حق شناس اضافه کرد: استان بوشهر با توجه به افراد تاثیرگذاری که در شعر و ادبیات داشته در مقایسه با سایر استانها سرمایه های زیادی داشته و از جمله استانهایی بوده که بعد از دارالفنون دارای مدرسه سعادت به عنوان کانونی جدید برای تعلیم و تربیت بوده است.
رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران ادامه داد: افراد




زیادی در این استان در حوزه فرهنگ کارهای ماندگاری انجام داده و در عرصه داستان و متون از پیشگامان این عرصه بوده اند. حق شناس گفت: همچنین منوچهر آتشی از ستونهای شعری کشور در ۵۰ سال گذشته است که با تواضع، فروتنی ایران دوست و مسلط به ادبیات کهن بود.
در ادامه این آئین مصطفی رحماندوست، افشین علاء و علی هوشمند به شعرخوانی پرداختند.
برنامه دیدار آشنا به همت دفتر شعر جوان و روزنامه پیام عسلویه با حضور م موید، محمدجواد حق شناس، مصطفی رحماندوست، ساعد باقری، بیوک ملکی، اسماعیل امینی، افشین علاء، عبدالرضا موسوی، جواد زهتاب، فاطمه سالاروند، محمد رمضانی، فرخانی، محمد ولی زاده، فهیمه دهقانی ، آوین فرهادی و شماری از علاقه مندان به شعر و ادب پارسی در آرامگاه شیخ حسین خان چاه کوتاهی فرهنگسرای منوچهر آتشی برگزار شد.

## درآمدی بر تاریخ تمدن (زندگی نامه دورانت ها)[1]

ناصر علیخواه

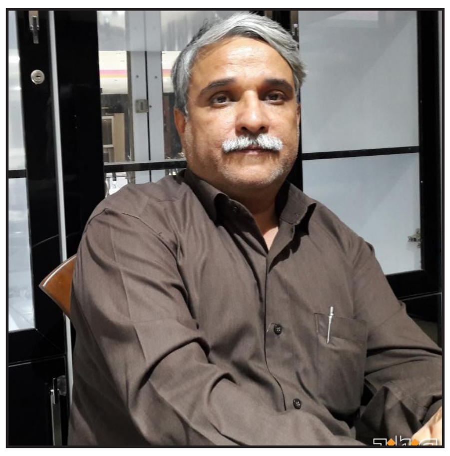


ویکتور هوگو، نویسنده شهیر فرانسوی در کتاب بینوایان مهمترین و عظیم ترین اثر داستانی (داستان نویسی است) در طول تاریخ معاصر محسوب شده درباره اثر خود (بینوایان) می نویسد: «منظره ای پهناورتر از دریا هست و آن آسمان است ولی منظره ای عظیم تر از آسمان هست و آن درون آدمی است»[2]
نظر به اهمیتی که مجموعه عظیم «تاریخ تمدن» نوشته ی: «ویلیام جیمز دورانت» مسائل در ادبیات جهانی دارد بر آن شدم که چشم اندازی به این اثر گران بها جهت آشنایی علاقمندان به مسائل تاریخی که از نظر وسعت و گستردگی در یازده جلد (مجلد) که به کل جهان پرداخته شده با تلاش نویسنده در طول پنجاه سال تحقیق میدانی خود و همسرش در انجام آن به (تدوین و تنظیم و چاپ) با تلاش وصف ناپذیری از اهمیت خاصی برخوردار است مختصر اشاره ای نسبت به معرفی آن به علاقمندان مسائل تاریخی مبادرت نمایم.
ویلیام جیمز، دورانت به سال ۱۸۸۵ در نورث آدمز ماساچوست زاده شد. و در هفتم نوامبر ۱۹۸۱ در سن ۹۶ سالگی در لوس آنجلس درگذشت. سختکوشی وی به گفته ی پدر به ارث برد که درباره ی او نوشته است: «از این که نمی توانم به یاد آورم که او در آن روزها چه قیافه ای داشت، اندکی شرمسارم هنگامی که هنوز در خواب بودم سر کار می رفت و شب که من باز به خواب رفته بودم بر می گشت او همیشه سخت کوش بود کاهلی او را هیچ به یاد ندارم»[3]
ویل دورانت در آموزشگاههای محلی «نورث آدمز» در کُرنی نیو جرزی تحصیل کرد به دانشکده «سنت پی تر» در جرزی سیتی رفت و لیسانس خود را در ۱۹۰۷ از آن جا گرفت. یک سال به عنوان خبرنگار نشریه: «جوانان نیویُرک» کار کرد سپس به تدریس زبانهای: لاتینی، فرانسوی، انگلیسی و هندسه پرداخت و بعدها به قصد آن که کشیش شود وارد آموزشگاه مذهبی شد اما آشنایی وی با کتاب اخلاق اسپینوزا سبب شد که به قول خود به زندگی روشنفکرانه تری بپردازد و اعتقاد به انسان دوستی داشت. بیست و هفت ساله بود که به تدریس در آموزشگاه نیویرک پرداخت و این برای او تجربه ای در آموزش و پرورش آزادی خواهانه شد و در همین جا بود که با شاگرد محتاط خود «آیدا کافمن» آشنا شد و نخست او را «پِک» و سپس «آریل» نامید. آیدا که تازه وارد پانزده سالگی شده بود با او ازدواج کرد. و این عروس وفادار به قول خودش تا هشتاد و سه سالگی یعنی تا آخرین روز عمر دراز خود در ۲۵ اکتبر ۱۹۸۱ سیزده روز پیش از مرگ «ویل دورانت» هم یار و هم همکار شوهر بود، و جلدهای هفتم به بعد «تاریخ تمدن» کار مشترک وی با ویل دورانت است.
ویل دورانت در ۱۹۱۴ برای اداره خود و همسرش به دادن یک سلسله کنفرانس در آموزشگاه «لیبرتمپل» پرداخت و در همان زمان برای گرفتن دانشنامه از دانشگاه «کولومبیا» در زیست شناسی و فلسفه کار می کرد و به سال ۱۹۱۷ دکترای فلسفه ی خود را از «کولومبیا» گرفت و یک سال در دانشگاه فلسفه تدریس کرد و همین درس های تاریخ و ادبیات فلسفه بود که موارد اولیه ی نخستین کتابهایش را فراهم کرد و باعث شد که موضوع های پیچیده و غامض را فهمیدنی سازد.
و به کُنه همه چیزها و نظریه ها برسد. در سال ۱۹۲۶ نوشته های خود را در یک مجلد زیر عنوان «تاریخ فلسفه» منتشر کرد. و همین کتاب با موفقیت چشم گیری روبرو شد. و در سه سال اول بیش از ۲/۰۰۰/۰۰۰ نسخه از این اثر به فروش رفت. و دورانت ها از نگرانی های مادی آسوده شدند این فراغ خاطر به آنها اجازه داد که به سیر و سیاحت در جهان بپردازند و بیشتر اوقات خود را وقف تهیه مطلب و منبع برای طرح عظیمی که داشتند بنمایند. فکر این طرح در سال ۱۹۱۵ یعنی زمانی که مقدمه ای بر تاریخ تمدن نوشته ی «باکل» می خواند به او الهام شد که: تاریخ پیرامون تمدن بنویسد. در سال ۱۹۲۷ «دورانت» از تدریس کناره گرفت، از آن پس، ویل و آریل تمام ساعت های کارشان را (حدود هشت تا چهارده ساعت در هفت روز هفته وقف تاریخ کردند. ویل دورانت نود ساله بود که دست از کار شست، و در حالی که هنوز شوق ادامه دادن داشت و می گفت: «نفس آرزومند است، اما تن نمی کشد» جلدهای یازده گانه تاریخ تمدن، بدون استثنا از جمله کتابهای پرفروش به شمار آمده اند. و جلد دهم، تحت عنوان روسو و انقلاب، جایزه پولیتر را در سال ۱۹۶۸ به خود اختصاص داد.
دورانت ها پیش از آن که نگارش این مجموعه آغاز شود به مسافرت پرداختند. در ۱۹۲۷ به سفر اروپا رفتند. در ۱۹۳۰ عازم سفر دور دنیا شدند و مصر، خاور نزدیک، هندوستان، ژاپن را از نزدیک دیدند، بار دیگر در ۱۹۳۲ به گشت و گذار در ژاپن، منچوری، سیبری، روسیه و لهستان پرداختند این سفرها زمینه ی نگارش مشرق زمین گاهواره ی تمدن که در ۱۹۳۵ انتشار یافت غنا بخشید. و این اولین مجلد از «سلسله تاریخ تمدن بود.» و پس از آن سفرهای بسیار دیگری به اروپا، خاورمیانه، خاور دور رفت و از جمله تابستان ۱۹۴۸ به مدت شش ماه در ترکیه، عراق، ایران و اروپای شرقی به مسافرت پرداختند. و در سال ۱۹۵۱ بار دیگر به ایتالیا رفتند و در ۱۹۵۴ از آلمان، سویس، فرانسه و انگلستان دیدار کردند.
به طور کلی، ویل و آریل دورانت برای هر یک از مجلدات تاریخ تمدن به سرزمین های اصلی موضوع کتاب مسافرت می کردند. آنان در یک مصاحبه ای گفته بودند: «پس از تکمیل هر جلد، ما دقیقاً مطالب جلد بعدی را شخصی و کار را به چندین فصل تقسیم می کنیم. و برای هر کتاب پانصد کتاب می خوانیم»[4]
موریس مترلینگ در نقدی پیرامون تاریخ تمدن نوشت: «در شمار بزرگترین تاریخ های بشر است» آن چه ساده و روشن شده و در دسترس همگان قرار گرفته میراث فرهنگی همه ی تمدن های بشری در طول ۱۰/۰۰۰ سال است که با جامعیت و روحی پرشور در مجموعه ای که تاکنون بیش از ۲/۰۰۰/۰۰۰ نسخه آن فروش رفته است.[5] تکمیل این کتاب در یازده جلد و تقریباً ۱۰/۰۰۰ صفحه نمودار تحقق التزام دورانت به کوشش در دیدن امور در کلیتی وسیع و نوشتن «تاریخ یک پارچه است نه تاریخی پاره، پاره و بخش بخش که متخصصان نوشته باشند، تاریخی است که شیوه ی زندگانی، احساس و اندیشه ی اقوام گوناگون را در کشورها و زمان های معین باز می نماید. در این کاوش او در جستجوی نقاط عطف و رویدادهای بزرگی است که شاخص گذشته بوده اند و بر آینده پرتو خواهند افکند»[6] این مجموعه عظیم و ماندنی حاصل تلاش و کنکاش پنجاه ساله مردی است که با عزمی نستوه و پشتکاری بس نادر، به کمک همسرش آریل که یار و همکار وی تا پایان عمر بود، به خلق اثری پرداخته است که لفظ «شاهکار» فقط یکی از اوصاف آن است اثری که برای مطالبش صدها هزار صفحه کتاب مورد مطالعه قرار گرفته است. و دهها هزار کیلومتر سفرهای متعدد به گوشه و کنار جهان تنها بخشی از سختی های او بوده است. سرانجام اثری که سرنوشت پر فراز و نشیب همه ی تمدن های بشری را از پیش از تاریخ تا قرن نوزدهم در بر می گیرد.

پی نوشت ها:
۱- درآمدی بر تاریخ تمدن همراه با زندگی نامه دورانت ها...
۲- چشمه روشن نوشته دکتر غلامحسین یوسفی ص ۲۱۸
۳- زندگی نامه دورانت ها صفحه ۱۹
۴- زندگی نامه ویل دورانت ها صفحه ۳۳
۵- برگرفته از مقدمه جلد پنجم صفحه ۳۳
۶- صفحه ۳۴ و ۳۵ درآمدی بر تاریخ تمدن نوشته ی بطحایی

رییس انجمن سینمای جوان بوشهر:

## نقد ادبی داستانی امروز تا دیروز داستان بوشهر



در راستای بسط و گسترش فرهنگ کتابخوانی و نگاه ویژه به نقدهای مخاطبین و بزرگداشت نویسندگان فرهیخته استان بوشهر، نقد ادبی داستانی امروز تا دیروز داستان بوشهر برگزار می شود.
عبدالرحمن برزگر رییس انجمن سینمای جوان بوشهر با بیان این مطلب که برگزاری نشست های ادبی ضرورتی انکارناپذیر برای جذب جوانان و علاقمندان به کتابخوانی می باشد، افزود: بر همین منوال گپ و گفتی را با دوستان در انجمن اهل قلم آقای فرشید جان احمدیان و سینا برازجانی به عمل آوردیم که ماحصل آن طراحی شنبه های ادبی با موضوعیت داستان از امروز تا دیروز داستان بوشهر است.
وی در مصاحبه با خبرنگار نسیم جنوب افزود: این سلسله نشست ها بیانگر ژرف نگری در سوژه های نابی است که نویسندگان بوشهری به آن پرداخته اند و از همه مهم تر خاصیتی که در پیدا و پنهان این جامعه در پی واکاوی و نقد صحیح و سالم ادبیات داستانی هستند. ضرورت ها چنین می نماید که در جذب مخاطب عام باید کوشید از همین رو با رسانه های مکتوب و رسانه های اجتماعی در پی آن خواهیم بود تا در جریان سازی داستان بوشهر فعال تر باشیم و نشان دهیم که خاستگاه ادبیات کهن استان بوشهر بی هیچ مبالغه ای یکی از خاستگاه های مهم ادبیات ایران زمین است.
جلسه نقد ادبی داستانی امروز تا دیروز داستان بوشهر هر شنبه ها ساعت ۱۸ (۶ عصر) در انجمن سینمای جوان واقع در خیابان عاشوری کوچه شهید دموخ پذیرای علاقمندان به فرهنگ کتابخوانی است.

رییس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بندر بوشهر خبر داد:

## برگزاری جایزه‌ی ادبی بوشهر در گستره‌ی ملی



صادق سعیدی رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بندر بوشهر از آغاز به کار جایزه‌ی ادبی بوشهر در گستره‌ی ملی خبر داد.
وی گفت: این جایزه که در واقع سومین دوره‌ی آن است و به صورت ۲ سالانه برگزار می‌شود پس از وقفه‌ای ۵ ساله دوباره فعالیت خود را آغاز کرد.
سعیدی ادامه داد: این جایزه در بخش‌های داستان و شعر برگزار می‌شود و به نفرات برتر در بخش‌های داستان کوتاه منتشر نشده، مجموعه داستان کوتاه چاپ شده، رمان منتشر شده و منتشر نشده و شعر غیرکلاسیک منتشر نشده و مجموعه شعر منتشر شده و همچنین بخش ویژه خلیج فارس و بوشهر جایزه اهدا خواهد کرد.
رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بوشهر با بیان این که هدف از برگزاری چنین جایزه‌ای در سطح ملی معرفی ظرفیت و پتانسیل‌های مناسب شهر بوشهر برای فرهنگ دوستان ایرانی می‌باشد افزود: علاوه بر این با توجه به این که بوشهر دارای بیشترین مرز آبی با خلیج فارس نیز می‌باشد و بنا بر ضرورت تقویت هویت ملی- بومی، اختتامیه جایزه‌ی روز دهم اردیبهشت ۹۸ و همزمان با روز ملی خلیج فارس برگزار خواهد شد. این مقام مسئول ادامه داد: مهلت ارسال آثار تا ۲۰ اسفند ۹۷ خواهد بود که این زمان قابل تمدید نمی‌باشد.
وی با اعلام این که فراخوان جایزه در روزهای پیشین منتشر شده و در آن، زمان‌بندی دقیق جایزه به همراه شرایط شرکت و میزان جایزه‌ها نیز مشخص شده خواستار مشارکت گسترده‌ی همه شاعران و داستان‌نویسان در نقاط مختلف ایران شد. سعیدی ضمن دعوت از بخش‌های مختلف برای برپایی باشکوه برنامه‌های فرهنگی از این قبیل اظهار امیدواری کرد که این جایزه بتواند در کنار معرفی بندر بوشهر، به اهداف حرفه‌ای خود پای‌بند باشد و به عنوان یک حرکت مستقل و پویا در مناسبت‌های ادبی مورد توجه قرار گیرد.
رئیس سازمان فرهنگی شهرداری در پایان، اعلام جزییات بیشتر این جایزه از جمله اسامی داوران را منوط به خبرهای تفصیلی‌تر آینده کرد.

هنری
شماره ۸۸۴ یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

## حسنک کجایی؟ به روایت احمد آرام

وقتی می نشینیم و نمایشی همچون حسنک کجایی نوشته و کار پیمان زند را می بینیم، البته باید تفاوت درام معمولی با پسیکو درام را درک کنیم. در درام معمولی ما از چه مؤلفه هایی استفاده می کنیم که در پسیکودرام باید از آنها پرهیز کرد. در پسیکو درام، متن متکی بر واقعیت های اجتماعی است که گاه نمایش را به سمت (تئاتر- مستند) می برد و ما بر اساس شواهد و انگاره های بالینی به سمت و سوی تنش های یک بیماری سوق داده می شویم. در این گونه ی نمایشی، ساختار نمی تواند روی اصول ارسطویی تأکید کند، بل با اشاره به موضوع مورد نظر، ساختار از درون موضوع شکل و لحن خودش را پیدا می کند. اگر پسیکو دارم بخواهد یک بیماری حاد روحی روانی را تشریح کند، چه بسا ساختار درام بهم می ریزد و بر اساس روانپریشی بیمار، بی منطقی جایش را می گیرد تا (منطق) دیگری ظاهر شود. این اشتباه ست که بخواهیم در یک نمایش پسیکو درام، رفتار جسمی، حرکتها و زبان متن را بر اساس الگویی از پیش طراحی شده مورد استفاده قرار دهیم. بیماران روحی و روانی در شاخه های مختلف، رویکردهای مختلفی با ارگانیسم بدن و رفتارهای اجتماعی دارند. پیمان زند در این پژوهش به دنبال سکوت چنین بیمارانی رفته که گاه دستشان از دنیا کوتاهست، اما سکوتشان لبریز از واژگانی است که از درون چشم هایشان بیرون می زند. معلوم است که سکوت چنین آدم هایی برآمده از ضربات سهمگین روحی ست. تکنیک روایی پیمان زند باید گاهی جانبدارانه باشد، و گاه ضد آن چیزی که در زندگی واقعی مشاهده می گردد؛ یعنی برآمده از تجربه ی هنری و درهم آمیزی تکنیکهای مدرن روایی برای دفاع از موضوعی که بتواند در بستر دراماتیک شکوه



خود را بدست آورد. از همین روی حضور تصاویر، طراحی صحنه، و حتا داستان های جریان گریزی که در لایه های داستان حضور دارند، همه به شکل تابلوهایی قابل بررسی نمود می یابد. در این مجتمع قتلی اتفاق افتاده که در جریان یک تعلیق دراماتیک داستان را وهم انگیز می کند، این وهم زبانی روان پریش دارد، یعنی گاه آدم ها به یکدیگر شک می کنند و در توضیح اعمال خود که مخاطب احتمالا روانپزشک می باشد، آنها سعی دارند خود را تبرئه کنند. جامعه کوچک این خانه چند طبقه، می تواند نمادی از جوامع بزرگ زخم خورده باشد. جوامعی که در آن شادی، رنج و سکوت، بی دلیل ساخته می شود و با دلیل تخریب می شود. بازیگران با دقت بافت و ساختار پسیکو درام را به خدمت گرفته بودند، چرا که بازی ها، در جریان های انتفاعی، بده بستان خوبی از خود به جا می گذارند. نویسنده دقت خوبی در انتخاب شخصیت ها داشته و توانسته اقشار مختلف با فرهنگ های متضاد را وارد بازی کند. در کل تمام بازیگران نوپا و کهنه کار در کنار یکدیگر لحظات شیرینی را رقم می زنند.

# بازی در بازی آدم هایی بنام بازیگر در نمایش "حسنک کجایی؟"

## نگاهی به آخرین اثر پیمان زند بعد از سیزده سال

**شاهین بهرام نژاد**

پیمان زند را از دوران تحصیلِ دوره ابتدایی در پایگاه می شناسم. او از سال سوم دبستان روی صحنه بود و با نمایش آشنا، اما بیش از علاقه اش به بازیگری این هنر کارگردانی و بازیگردانی اش بود که چشم نوازی می کرد و می کند به همین خاطر در این کوتاه نوشت به موضوع بازی بازیگران نمایش "حسنك کجایی؟" پرداخت می شود که اخیراً برای عموم اجرا شد.
پسر بزرگِ خانواده ی زند از همان نخست به هنر بازی برادرانش ایمان و امین، سخت ایمان داشت و البته به درستی.
ایمان زند، قهرمان قصه ی حسنك کجایی؟ در نقش حسن بود. جدا از بازی های پرشور ایمان در دوره دانش آموزی در کنار استاد علی غلامی و کاراکتر خلاقانه اش در نمایش "خاك و خورشید"، شخصیتی را که در نمایش "ماه مُنیر" آفرینش کرد این باور را در ذهن تمام



مخاطبانش ترسیم نمود که از این به بعد با یك بازیگر ششدانگ طرف هستند. ایمان در ۱۷ سالگی نقشی را ایفا کرد در حدود سه چهار برابر بزرگتر از سن و سالش.
نیك به خاطر دارم آن زمان هادی مرزبان داور جشنواره تئاتر فجر بود. بعد از اجرا روی صحنه آمد تا ستایش کند بازی ایمان را. گفت: "اون پیرمرده کجاست؟" هنگامی که فهمید ایفاگر این نقش یك جوان هفده ساله بوده، شگفت زده شد. اتفاقا ماه منیر نیز بر موضوع سایکو درام استوار بود. محل تلاقی روان‌شناسی و هنر؛ شاید بهتر آن است که بگوییم تلاقی روان‌شناسی و تئاتر.
سایکودرمانی از جمله روان‌درمانی‌های بسیار مؤثری است که نتایج ثمربخش آن در پیشگیری و درمان مسایل روانی و اجتماعی به اثبات رسیده است. ایمان زند در نقش حسنك با بازی زیرپوستی، عمیق و همچنین خلق لحظه های



ناب در سکوت هایش یکبار دیگر ثابت کرد که در نقش خود زندگی می کند و کاملاً با مطالعه وارد این حوزه شده. اعتراف حسنك در صحنه پایانی همراه با ترکیدن بغضش از تأثیرگذارترین لحظات نمایش بود.
امین زند هم که با بازی تماشاگر پسندش در نمایش "روزگارمان را باد برد" و سپس بازی متفاوتی در نمایش "آخرین بار کی دیدمت گندم؟" اثر احمد آرام این بار در نقش سیاوش خود را در آتش نمایشی انداخت که با حرکت و صدای مطلوبش رویین تن از آن سر برآورد. او که علاوه بر بازی، آسیستانِ نگارش و کارگردانی نیز بود، هرگاه نیاز بود، ضرباهنگ نمایش را با تکنیك خود نظم می بخشید.
دو بازیگر دیگر، ماندانا احمدی و آزاده میگلی با رزومه ای درخشان در این عرصه به ترتیب ایفاگر شخصیتهای خانم شمسیان و کبری در این نمایش بودند. ماندانا احمدی با تیپ سازی، اختیار لحن و حرکات متناسب آنچنان باورپذیر و راحت روی صحنه ظاهر شد توگویی او همان اصل جنس است که خانم روانشناس برای این بازی در بازی برگزیده. سوی دیگر اما آزاده میگلی اوج ایثار و تعهد را به رخ همگان کشید. او که در شب سوم نمایش در سوگ از دست دادن پدر عزادار شد هر شب فارغ از واقعیت زندگی خود، غوص در جهان نمایش می کرد و بسی شگفت آور بود که بیش از هشتاد دقیقه روی صحنه نفس به نفس تماشاگر، و او نناز تمام لحظه ها را پرتوگیری و پرتوافکنی می کرد.
کار بزرگ پیمان زند اما استفاده از هنرمندانی بود که برای اولین بار، صحنه را تجربه می کردند یا اینکه حداقل نگارنده سابقه ای از آن نیافت.سید اکبر موسوی و مسعود کشانی در نقوش آقایان هاشمی و سعادتی هیچ فاصله ای با کاراکتر خود نداشتند. آنچنان پویا و حقیقی در این کالبد ظاهر شدند که گاه فراموش می شد این دو، بازیگران این نمایش هستند و خود شخصی دیگر.
گل سرسبد این ماجرا اما بازی نگین کتویی زاده در نقش گلناز خاتون، خانم آقای هاشمی بود. وی که تجربه بیش از دو دهه بازی در نمایشهای رادیویی را دارد به خوبی از دو عنصر حس و بیان در صحنه بهره جست و با کنکاش ما به ازاء در زندگی پیرامون و استفاده شایسته از آنها در دقایق مختلف بازی، ظرافتی به نقش داده بود که به وضوح مرز میان ملاحت در بازی و لوده را مدیریت می کرد، نشان به این نشان که مخاطب تمایل داشت خانم هاشمی از ابتدای نمایش وارد معرکه می شد.
آنچه نگاشته شد تنها فهرست وار اشاره ای بود به بازی بازیگران نمایش "حسنك کجایی؟" از نگاه نگارنده، مسلم اینکه قلم زدن و تحلیل عناصر دیگر نمایش خود نیاز به فرصتی دیگر دارد که در این مقال نمی گنجد.



## حسنك کجایی به روایت دکتر محمدرضا شهبازی مدرس دانشگاه

نمایش یک سایکودرام



تئاتر چنان دستخوش ناملایمات و کم کاری شده که دیدن یک اثر خوب گاهی دور از ذهن می باشد و هر چه فریاد حسنک کجایی سر دهیم، گویی حسنکی نیست که صدایمان را بشنود و پاسخ فرهنگی و نمایشی ما را بدهد، اما این بار پیمان زند صداهای دور و نزدیک و آشنا و غریب را شنید و گوشه ای از این قالی خاک خورده و افتاده به زمین را بر می دارد و قصد تکاندنش را دارد.
- نمایش حسنک کجایی با داستانی از زاویه ای تازه و با شروع و پایانی دراماتیک توانست مخاطب خود را تا به انتهای اثر با خود همراه نماید.
- نمایش با طرح روایت داستان حسن و ماجرای او سعی دارد شخصیتی دچار فاجعه را با روش تئاتر درمانی به آرامش برساند و در روند روایت با ایجاد رویدادهای دراماتیک، از یک منطق روایتی درست نمایشی و بر اساس یک ساختار صحیح، پیروی نماید و این ویژگی ها به کارگردانی اثر کمک می کند تا تصاویری بهتر در قاب های نمایشی برای ارتباط با مخاطب بیافریند.
- کارگردان با استفاده از داشته های نمایشی متن، با ظرافت و منطق، روایتی تصویری و آگاهانه و درست از رویدادهای اثر ارائه می نماید و بازیگران با پیروی از همین ویژگی ها و هدایت خوب کارگردان به ایفای شخصیت های اثر گام برداشته و رشد و دگرگونی آدم ها را در طول کار به نمایش می گذارند.
- مثلث این نمایش، (متن، کارگردانی، بازیگری) هماهنگ و درست، اثری را که بیش از ۸۰ دقیقه است، به مخاطب ارائه می نماید و بدون کمترین کسالت و با تنوع و ریتمی صحیح، خستگی، درماندگی را از تماشاگر دور و او را درگیر اثری ماندگار می کند.
- کارگردان با انتخاب یک اثر خوب نمایشی و از سویی انتخاب اصولی بازیگران، نزدیک به شخصیت های نمایش و طراحی کاربردی صحنه نمایش در شرایط بحران تئاتر امروز، اثری را اجرا می نماید که لذت دیدن آن تا مدتها در ذهن مخاطب می ماند و طعم تلخ فریاد حسنک کجایی را برایمان شیرین می نماید و همانگونه که حسنک را آرامش می دهد، دغدغه های ما را نیز، کم و کمتر می کند.
- پیمان زند از هنرمندان خوب تئاتر بوشهر با نوشته ها و کارگردانی های خود در تئاتر، ما را وادار می کند که باور کنیم او و تئاترش گام های خوبی را رو به جلو برداشته و برمی دارند و می تواند ما را به دیدن تئاترهای خوب امیدوار کند. او چنان به تئاتر و قداست آن اهمیت می دهد که در حسنک کجایی فریاد مظلومیت و کمک خواهی تئاتر را خوب شنیده و خود و خانواده اش را در این مسیر قرار داده که ما را به بودن و دیدن تئاتر خوب بیش از پیش امیدوار کند.
البته انتظار همگان از پیمان زند به عنوان یک دانش آموخته ارشد تئاتر، همین بوده و هست.

## «حسنک کجایی» و انتخاب هوشمندانه یک نماد برای نمایش درمانی جامعه بیمار

**حمید آب آذر**

نمایش «حسنک کجایی» به نویسندگی و کارگردانی پیمان زند این روزها حال و هوای خوبی به شهر بوشهر داده است.
شخصیت «حسنک» کتاب فارسی دهه چهل، پنجاه و شصت اکنون در جامعه ما به یک نماد در زبان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبدیل شده است.
حسنک نماد « بدویت معصوم» جامعه ایرانی در گذشته است که اکنون به میان سالی خود رسیده است.
جفرافیای حسنک از روستا به شهر، از سادگی به پیچیدگی، از شادی به غم، از نوع دوستی به خودخواهی، از یقین به شک و از رهایی به گرفتاری رسیده است.
حسنک نماد نسلی است که به دلیل تغییرات سریع اجتماعی و سیاسی بار سنگین این تحول را به دوش کشیده است اما اکنون خود را مغبون و نسل سوخته می داند.
پیمان زند مشکلات اجتماعی امروز را هوشمندانه با نماد «حسنک» در نوعی از تئاتر(سایکودرام یا نمایش درمانی) با پرداختن به مشکلات یک بیمار روانی به روی صحنه آورده است.
قرینه های این نماد در «متن و بازی» به صورتی ملموس، منطقی و به دور از شعار و مبالغه، کمک می کند تا مخاطب به راحتی با نماد



«حسنک» ارتباط برقرار کند.
قرینه هایی چون مهاجرت، آپارتمان نشینی، بیکاری، فقر و ... که در کنار عناصر مدرنی چون تغییر سبک زندگی، تغییر روابط اجتماعی، ماهواره، تلفن همراه و... نتایج مجرمانه ای چون، بدبینی، فروپاشی خانواده، خیانت، قتل و... را به همراه آورده است. البته نویسنده با افزودن زبان طنز در بخش هایی از دیالوگ در این نمایش حزن انگیز، علاوه بر ساختن یک درام موفق، نمایش را از دام یکسونگری و قطعیت بخشیدن به گزاره های متن رهانده است.
نویسنده و کارگردان این نمایش علاوه بر متن، در صحنه نیز با انتخاب میزانسن؛ رنگ، صدا و حرکت فضایی تأویل پذیر به وجود آورده است که لازمه چنین نمایش نمادینی است.
خوشبختانه پس از سال ها رکودی که از طرف مخاطب بر تئاتر پویای بوشهر تحمیل شده بود اکنون این نمایش با استقبال کم نظیر مواجه شده است. به نظر می رسد جامعه خصوصا نسل جوان، تئاتر و در کل هنر را چراغ راه خود در این سرگشتگی می دانند. به امید دیدن تئاترهای بیشتر از این کارگردان و دیگر کارگردانان باسواد بوشهری و کشور در بوشهر.
پی نوشت: ترکیب «بدویت معصوم» را از کتابی با همین عنوان نوشته دکتر رضا معتمد وام گرفته ام

### یادداشتی بر نمایش حسنک کجایی به نویسندگی و کارگردانی پیمان زند

## یک درام متوسط

**خداداد رضایی**

تبلیغ خوب و بازگشت سیزده سال دوری، کارگردانی که به لحاظ عملکرد نمایشی دوران خوبی را در کارنامه خود داشت باعث شد تا تماشاگران زیادی را به پلاتوی استاد صغیری بکشاند ای کاش خیلی از پیشکسوتان تئاتر استان که از صحنه فاصله گرفته اند باری دیگر آستین را بالا زده و وارد گودی شوند که فاصله آنها با مخاطب نزدیکتر شده و تئاتر را از نگاه آنها تماشا بنشینیم هر چند تا قبل از این بعضی ها آمدند و در قیاس با تئاتری که انتظار می رفت چندان موفق نبودند و همانی بود که قبلا از این عزیزان دیده بودیم.
نمایش حسنک کجایی به لحاظ نویسندگی یک درام متوسط بود آنچه دیدیم مشابه را بارها در فیلم‌ها و سریال ها دیده بودیم یک درام توانبخشی که در قالب تئاتر سیکودرام قرار می گرفت که در این موارد زیاد گفته شد. دیالوگ های خوب اما خالی از تعلیق قوی خلعی که تا پایان دیده شد نویسنده با خلق لحظات مفرح در نمایش دو هدف داشت: یکی کاهش هیجان و خشونت در قصه برای تماشاگر و یکی هم توانبخشی به شخصیت روانی و مریض قصه اش (تئاتر درمانی) بود تا شاید ذهن او نسبت به قتل و احساس گناهی که کرده، کاهش یابد که نویسنده سعی می‌کند انسجام نمایشنامه نویسی را در تقابل با خشونت و شادی حفظ کند و این هوشیاری وی برای میزان کردن تنش قصه ستودنی بود اما رو به پایان که می رسیم وارد یک سراشیبی کسل کننده می‌شویم در حالی که کدها گشوده شده ولی باز اصرار به کش دار کردن موضوع دارد.
در کارگردانی، آقای زند با شناخت شخصیت های نمایشنامه اش کاراکتر را بخوبی برای صحنه انتخاب کرده بود و آنچه می‌دیدیم انگار همان آدمهای واقعی قصه بودند بازی‌های قابل قبول و ایجاد کنش تحرکی برای واکنش و ادامه قصه داشت تا قصه توقف نکند و یک رونده باشد اما انتظار می رفت کارگردان باید تمهیداتی بکار



می برد که بجای خیره شدن به زیبایی های دکور صحنه و ویدئو آرت بیشتر روی خلاقیت های بازیگران و نوآوری در ایجاد فضایی غیرمنتظره نظرها را جلب می کرد شیوه قصه پردازی را به نحوی میزان و زیباسازی می کرد که هر بخش تابلویی یادگاری و نو و غیر انتظار در ذهن ها باقی می ماند اگر ما زیبایی طراحی صحنه و حضور ویدئو آرت صحنه را به عنوان عنصر دوم نمایش محسوب کنیم دیگر صحنه کمتر خلاقیت و نوآوری به خود می گرفت چیزی که انتظار می رفت در صحنه به غیر از دیالوگها توسط کاراکترها شکل و خلق می شد. صحنه ورود و خروج و یا تکرار زیاد آدمهایی شده بود که گاهی فکر می کردی سردرگم هستند و از طرفی اصرار بازی بیش از حد رو به تماشاگر گاهی حس کنجکاوی ما را بر درون گرایی قصه با واقعیت ها فاصله می انداخت. ای کاش نگاه آدمهای نمایش را در صحنه بیشتر معطوف به قصه و درگیر در فضای چهار بعدی صحنه می‌کرد اما می بینیم بیشتر لحظات نگاه‌ها زیادی در نگاه تماشاگر گره می خورد.
نمایش حسنک کجایی با ضعف های اندکی که دیده شد تلاشی برای فهمیدن از درونیات آدمهای روانی و در مقابل حس انسان دوستانه ای برای کمک به درمان فرد مریض روانی که گاهی ایثار نامیده می شود و در این مسیر برای فهم موضوع با مخاطب نمایش موفق عمل کرد.
باید به این هنرمند خوب هم استانی برای ورود مجدد به صحنه و ارتباطی نو برای حضور خیلی از شخصیت‌ها و هنرمندان و خانواده ها تبریک گفت و آرزوی توفیق و موفقیت خواستارم امیدواریم بزودی شاهد کاری نو از این هنرمند و دیگر هنرمندان پیشکسوت تئاتر استان بوشهر باشیم.

## خانه هنرمندان بوشهر افتتاح شد



همزمان با دهه فجر چهلمین سال پیروزی انقلاب خانه هنرمندان بوشهر در آیینی با حضور مسئولان افتتاح شد.
به گزارش ایرنا، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در این آیین گفت: خانه هنرمندان استان بوشهر با اعتبار ۲ میلیارد ریال اعتبار در مدت ۶ ماه احداث شده است.
فاطمه کرمپور افزود: این مرکز با ۱۹۰ مترمربع زیربنا ٦ اتاق مجزا و ظرفیت همزمان ۲۵ نفر طراحی شده است.
وی اضافه کرد: این مکان در شأن و جایگاه هنر و هنرمند طراحی شده و عمده هدف آن ایجاد مکانی برای اسکان هنرمندان مهمان در استان بوشهر است تا آنها سفر خود را بدون دغدغه انجام دهند.
کرمپور گفت: خانه هنرمندان علاوه بر محل اسکان، مکانی مناسب برای ارتباط مستقیم و تعامل و تبادل هنرمندان است.
وی ادامه داد: پرداختن به موضوع زیرساخت ها یکی از مسائل مهم و تاثیرگذار در بخش فرهنگ و هنر است تا هنرمند با آرامش و بدون دغدغه به تولید هنر برای شور و نشاط در جامعه بپردازند که می توان راه اندازی خانه هنرمندان را گامی مهم در این راستا دانست. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر سعی می کند تا با فراهم کردن ابزارهای مورد نیاز هنرمندان بتواند در راه ارتقای فرهنگ جامعه تلاش کند.
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: هنر نقشی مهم در زندگی انسان دارد و توجه و اهمیت دادن به این مهم از اولویت های جوامع برای رشد و توسعه است.

هفته نامه
نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۸۸۴ یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

# خیانت جنسی با چاشنی اخلاق!

مجتبی لشکربلوکی



مشروبات الکلی مصرف نمی کرد و سیگار نمی‌کشید و عاشق هنر و موسیقی و نقاشی بود. از آزار دیدن حیوانات ناراحت می‌شد و برای اولین بار در تاریخ اروپا، قوانین حمایت از حیوانات را وضع کرد. وی حامی محیط زیست و خانواده بود و به زنان احترام می گذاشت. اما او یکی از بزرگ ترین کشتارهای وسیع طول تاریخ را رقم زد: هیتلر را می گویم. این ویژگی‌های مثبت در کنار بی رحمی منجر به کشتارهای وسیع گیج کننده به نظر می رسد. این گونه نیست؟ این تضادها فقط در هیتلر مشاهده نمی شود، بلکه بی‌رحم‌ترین شکنجه گران هم چه بسا پدرانی دلسوز باشند و از دیدن زخمی در انگشت فرزندشان اشک در چشمانشان حلقه بزند و چه بسا قاچاقچیانی که به امانت داری، صداقت، سلامت در زندگی خانوادگی اهمیت بسیار می دهند. پرسش اصلی این است که چطور انسانهایی که باور قوی به ارزشهای اخلاقی دارند و در سایر بخشهای زندگی دل‌رحم اند می‌توانند دست به اعمال غیراخلاقی وحشتناک بزنند؟

استاد دانشگاه استنفورد بندورا به این موضوع پرداخته و جواب او به این مساله چنین است: افراد معمولا دست به اعمال ناپسند نمی‌زنند مگر آنکه جنبه‌های غیراخلاقی آن اعمال را برای خودشان توجیه کرده باشند. او شش مکانیزم شناختی- روانی را که انسان ها به کار می گیرند را معرفی کرده است:

**مکانیزم شستشوی اخلاقی:** با تأکید بر اهداف متعالی، رفتار غیراخلاقی طوری توجیه می شود که قابل دفاع یا حتی ستایش‌آمیز به نظر برسد. تروریستهای انتحاری که حتی ممکن است در زندگی شخصی به یک مورچه نیز آزار نرسانند با همین روش اقناع می شوند: پاک کردن زمین از زشتی و پلشتی. رفتار زشت با هدفی متعالی شستشو داده می شود و تبدیل به عملی توجیه پذیر و اخلاقی می شود.

**مکانیزم تلطیف لغوی:** نامگذاری یک فعل غیراخلاقی با کلمات متفاوت که باعث می شود زشتی آن کمتر شود. مثلاً رهبران نازی کشتار یهودیان را «پاکسازی اروپا» می نامیدند. به جای خیانت جنسی به همسر گفته می شود «شیطنت کوچولو». در فرهنگ خودمان هم اشتباهات و خطای فردی را با این جمله که شیطون گولم زد تلطیف لغوی می کنیم.

**مکانیزم قیاس با نمونه های بدتر:** در این روش فرد با مقایسه رفتار خود با نمونه هایی بدتر از سوی دیگران از عذاب وجدان خود کم می کند. «بابا! طرف سه هزار میلیارد تومان برده و خورده، حالا شما به هزار و پانصد تومان ما گیر دادی؟»

**مکانیزم انتقال مسئولیت:** فرد در این حالت مسئولیت را به گردن یک منبع خارجی می‌اندازد یا آن را میان جمع بزرگتری تقسیم می‌کند. در قتل عام "می لای" یک گروه از سربازان امریکایی، پانصد غیر نظامی ویتنامی را شکنجه کردند، مورد تجاوز قرار دادند، کشتند و بدن بعضی‌ها را مثله کردند. وقتی ۱۴ نفر از افسران بابت این ماجرا محاکمه شدند مسئولیت را به گردن مافوق انداختند و البته رفع اتهام هم شدند!

**مکانیزم انسانیت‌زدایی از قربانی:** منطق کلی این روش مادون انسان در نظر گرفتن سایرین است. هرچه کیفیت انسانی قربانی بیشتر خدشه دار شود، آسیب رساندن به او سهل‌تر می شود.کاکاسیا خواندن برده ها، کم عقل دانستن زنان و شهروند درجه دو دانستن اقلیت ها، مزاحم خواندن مهاجرین در واقع آماده سازی برخوردهای زشت و خشن با اینهاست.

**مکانیزم قربانی مقصر:** در این روش خود قربانی مسبب اصلی شرارت قلمداد می شود. کارگرانی که بدرفتاری کارفرما را دلیل دزدی خود می دانند، متجاوزی که می گوید سر و وضع قربانی تحریک آمیز بوده نمونه‌هایی از این مکانیزم هستند (برداشتی آزاد از نوشته محسن حسن‌زاده از کانال صدانت)

**تجویز راهبردی**

اگر صادقانه بنگریم همه ما در معرض این شش مکانیزم هستیم. هر کدام از ما؛ کم کاری، کم فروشی، حق خوری، بدقولی، خیانت در امانت، دروغ گویی، دزدی، پارتی بازی، تهمت زنی، تخریب شخصیت خود را با همین شش مکانیزم انجام می دهیم. می توانیم برای یک هفته روی رفتارهای خود متمرکز شویم و از خود بپرسیم:

۱. آیا من در دام شستشوی اقدامات غیراخلاقی با تکیه بر اهداف به ظاهر اخلاقی افتاده ام؟ (هدف وسیله را توجیه و شستشو می کند؟!)

۲. آیا من با دستمالی واژه ها، لغت سازی در دام تلطیف لغوی افتاده ام و دارم برای اعمال غیراخلاقی ام، روکش های زیبا یا قابل تحمل فراهم می کنم؟

۳. آیا من با مغالطه مقایسه، عملا دارم می گویم که چون کسی، زمانی، در جایی از دنیا عمل زشتی انجام داده است پس من هم می توانم و دیگر اشکالی ندارد؟

۴. آیا صرفا اینکه یک مقام بالاتر دستور داده دلیل خوبی برای انجام یک عمل است؟ و هر عمل زشتی را می شود با تکیه به مأمورم و معذورم توجیه کرد؟

۵. در ضمیر ناخودآگاه خودم چه کسانی را انسان تر از دیگران می دانم و چه نژاد یا قبیله ای را در درجه پایین تر از خودم می دانم؟ اینکه تفاوت قائل شوم و برخی را انسان تر بدانم، این سرآغاز شرارت و جنایت است.

## کالایی شدن بدن

فرهاد قنبری

بودریار می گوید "کشف دوباره بدن پس از یک هزاره تقواگرایی خود را در قالب آزادسازی فیزیکی و جنسی بدن، حضور همه جانبه آن در تبلیغات، مد، فرهنگ توده ها یا کیش بهداشت، رژیم های غذایی، درمان، شیک پوشی، اسطوره لذت که احاطه اش می کند و همه و همه گویای آن هستند که بدن به موضوع رهایی تبدیل شده است".

امروزه رسانه ها و ابزارهای اطلاعاتی کاملا در خدمت بدن قرار گرفته اند.

بدن هایی که توسط شبکه های ارتباطی و رسانه های مختلف تولید شده و بر اساس پیشرفت های تکنولوژیکی امکان تغییرات مداوم در آن هم ایجاد شده است.

بدن تبدیل به شی و کالای قابل دستکاری شده که بارها و بارها می توان آن را تغییر داد.

نمایشگاههای مد و زیبایی، سالن های آرایشی روز به روز مدرن تر و مراکز و کلینیک های اعمال جراحی زیبایی که روز به روز بیشتر می شود (اولین بار چهل سال پیش بود که یک بدن به عمل جراحی زیبایی سپرده شد). همه و همه در خدمت کالایی به نام بدن قرار گرفته اند تا آن را در قالب های جدید و متنوعی عرضه نمایند.

در چنین شرایطی که امکان آفرینش بدن به اشکال مختلف بیشتر می شود و هر انسانی این قدرت را دارد که با میزان ثروت اقتصادی که در اختیار دارد تغییراتی در بدن خود به نمایش بگذارد، باعث نوعی جدایی بین "من" و بدن شده است. یعنی بدن به مکانی تبدیل شده است که با تغییرات در آن با کشاندن ریاضت و درد عمل جراحی و رژیم غذایی و امثالهم به رضایت و کیف درونی خود دسترسی پیدا می کنیم.

این یک طرف ماجراست در سوی دیگر رقابت بی رحمانه تری در جریان است.

امروزه به وفور با آگهی های فروش کلیه و خون مواجه هستیم که بر در دیوار شهر نصب شده و در جراید متعدد به چاپ می رسد.

در این بازار بدن زن بیشتر در کانون و توجه خرید و فروش در بازار سرمایه قرار دارد، از زنانی که در خدمت پورنوگرافی و شبکه های عریض و طویل آن در حال فعالیت هستند تا زنانی که قرار است از طریق جلوه گری بدن هایشان کالاهای تولید شده غول های سرمایه داری را به فروش برسانند.

متکدیان، کارتن خواب ها و مطرودان نیز در این بازار پر زرق بدن بی نصیب نیستند، بسیاری از این زنان در قبال دریافت مبلغی ناچیز فرزندانی را به دنیا آورده و به باندهای تکدی گری می فروشند.

## تأثیر روانی محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی بر کاربران

انجمن سلطنتی بهداشت عمومی بریتانیا ۵ شبکه اجتماعی محبوب بین کاربران را به لحاظ تأثیر روانی و ذهنی که بر افراد می‌گذارند مورد بررسی قرار داده است.

شرلی کرامر مدیر اجرایی این انجمن می‌گوید: شبکه‌های اجتماعی حتی بیشتر از سیگار اعتیادآور هستند و با توجه به اینکه حالا این شبکه‌ها وارد زندگی جوانان شده است وقتی صحبت از بهداشت روانی جوانان می‌شود نمی



توان این موضوع را نادیده گرفت.

این تحقیق بر روی ۱۴۷۹ کاربر در فاصله سنی ۱۴ تا ۲۴ سال انجام شده و جنبه‌های مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی در آن در نظر گرفته شده است. جنبه‌های مثبت شامل مواردی مانند: آگاهی از تجربیات دیگران، حمایت‌های احساسی و روحی، بیان نظرات و هویت خود در بین دیگران می‌شود. جنبه‌های منفی اما شامل مواردی مانند تنهایی، افسردگی، مسائل مربوط به تصاویر بدنی، ترس از دست رفتن، کیفیت خواب و آزار و اذیت سایبری می‌شود. با این تفاسیر طبقه بندی ۵ شبکه اجتماعی محبوب از بهترین تا بدترین به ترتیب زیر است:

۱- یوتیوب (بهترین)
۲- توییتر
۳- فیس بوک
۴- اسنپ چت
۵- اینستاگرام (بدترین)

منبع: گلف نیوز

شهرداری باید بداند؛

## مدل شهرسازی، جرم زا می شود!

دکتر محمود رجبی پور

ارتباط میان جرم و محیط زندگی و زیست شهروندان، همواره بخشی از موضوعات جرم شناسی را به خود اختصاص داده است.

-جرم شناسان از دیر زمان در پی آنند که با مطالعات آسیب شناسانه و بررسی های علمی و تخصصی، عوامل تشکیل دهنده جرم را شناسایی کنند و راهکارهای مقابله و کاهش آن را در جامعه بیابند و تاکنون نیز در مسیر این مطالعات ضمن بررسی وقایع، عوامل مؤثر در چرایی شکل گیری آن را مورد شناسایی قرار داده اند از جمله: فقر، ثروت، محیط اجتماعی فرد، خانواده، گروه دوستان و همسالان، مسائل روحی و روانی، قوانین و مقررات ناکافی یا بد، نقص در نظامات آموزشی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین محیط فیزیکی و سکونت و محل کار افراد در شهرها.

-متأسفانه به دلایل گوناگون نقش شهرسازی و معماری در افزایش یا کاهش جرم در ایران بسیار کم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. تعداد اندک تألیفات و مقالات خود بیانگر این موضوع است. در حالی که در کشورهای توسعه یافته بیش از پنج دهه است که نقش جرم زایی در شهرسازی و معماری بناهایی مورد توجه جدی قرار گرفته است.

-هر چند به خاطر روشن نبودن ظاهری ارتباط این عامل با جرم، چندان تحقیقات گسترده ای در مورد آن صورت نگرفته است. شاید در یک نگاه واقع بینانه، رابطه معنادار و قابل انتسابی بین محیط و وقوع جرم مشخص نباشد ولی مسلماً می توان بین نحوه ساختمان محل زندگی و پیشگیری از جرم، رابطه ای مؤثر ترسیم کرد، بدین ترتیب که با پیش بینی مجموعه ای از اصول در ساخت و ساز می توان از وقوع جرائم بسیاری جلوگیری نمود.

-انسان ها در داخل شهر زندگی می کنند و مسلماً نمی توانند تأثیر محیط اطراف را در افکار و نحوه رفتار خود بی تأثیر بدانند. به لحاظ ارتکاب جرم، در هر شهری، خیابان ها و کوچه ها و محله هایی وجود دارند که به مناطق جرم خیز و بزهکار شناخته می شوند و شهرت دارند، پس باید بیشتر مورد توجه و نظارت واقع شوند.

- افرادی که در شهرها زندگی می کنند به دلیل مشکلات و معضلات خاص زندگی شهری و نیز مسائل زیست محیطی از جمله آلودگی هوا و مشکلات ترافیکی و ... همه به نظر می رسند آمادگی ارتکاب جرم را دارند به عبارت دیگر آستانه تحمل افراد پایین آمده و ارتکاب جرم در آن ها به شدت بالا می رود و لذا خواسته یا ناخواسته به دنبال فرصت می گردند که با کوچکترین جرقه ای منفجر شوند و آنچه انصراف در معنای خاص جرم نامیده می شود را مرتکب شوند. لذا باید اندیشید تا ساختار بافت شهری، به نحوی طراحی شود که لااقل از حیث فضا و زمان، این فرصت به مجرمان داده نشود.

- ناآرامی روانی و ذهنی به (هر دلیل) از عواملی است که به شدت فرد را به طرف جرم سوق می دهد و فضای شهری می تواند موجب تشدید آن شود. ترکیب بندی کوچه ها و خیابان های محل زندگی، نحوه تلفیق خیابان ها و خانه ها، چگونگی ترکیب محله های مسکونی تجاری، نحوه استقرار شهرک های اطراف شهر و رابطه آنها با شهر، ارتباط بین بافت فرسوده و بافت جدید شهر، نحوه طراحی خیابان ها به لحاظ ترافیک، قرار گرفتن بزرگ راهها و بسیاری موارد دیگر نیز از جمله مواردی است که در برداشت فرد از شهر و نیز ارتباط و تعامل بین افراد تأثیر و همچنین ارتباط آن با وضعیت روحی و روانی شهروندان دارد. (میرزایی، ۱۳۹۲) بنابراین هم اکنون بیش از هر زمان نیاز است که به موضوع شهرسازی و جرائم توجه بیشتری (با عنایت به پرونده های مطرح در قوه قضائیه در این رابطه) نمائیم.



## وندال ها و شبکه های اجتماعی

وندال‌ها دسته‌ای از اقوام ژرمن بودند که در قرن پنجم جایی میان دو رود اودر و ویستول زندگی می‌کردند، آن‌ها بسیار خشن و مهاجم بودند و همسایگان خود را غارت و به اموال آن‌ها صدمه می‌زدند، یکی از بدترین ناهنجاری‌های دو قرن اخیر وندالیسم است.

وندالیسم برخاسته از هیجان و روحیه اوباشگری است. تعارض به اجتماع و اشخاص، یکی از دلایل اصلی وندالیسم محسوب می‌شود. وندال‌ها انسان‌هایی هستند که بسیار شکننده و ضعیف‌اند و به دلیل خشونتی که خانواده و جامعه در حق آنان روا داشته (و یا بالعکس، توجه بیشتر خانواده)، حس خرابکاری و انتقام جویی دارند.

چندیست که دامنه فعالیت ایشان به شبکه‌های اجتماعی کشیده شده است، در صفحات مختلف عضو می‌شوند، در قسمت‌های نظرسنجی فحاشی می‌کنند، بی‌خود و بی‌جهت صفحه‌ای را به عنوان عامل خشونت و... گزارش می‌کنند (یا فیلتر می‌کنند) تا از ادامه فعالیت آن جلوگیری کنند.

اما نکته اصلی واکنش ما در زشتی این عمل یا گفتن جمله نخ نمای: ایرانی‌ها فلان و بهمان نیستند..! سوال اینجاست که ما چه سهمی در انتقال فرهنگ به صد هزار جوان این جامعه داشته‌ایم؟

با یک حساب کوچک که هر کدام از این صدهزار نفر دارای پدر و مادر و حداقل یک دوست نزدیک و یک معلم و یک شخص تأثیرگذار هستند، به عدد شش صد هزار می‌رسیم که نشانگر افراد غیر مؤثر و بعضا مخرب برای جامعه به شمار می‌روند و شما این مثال را می‌توانید برای آن شش صد هزار نفر تعمیم دهید که به عددی نزدیک به جمعیت کشور می‌رسد!

**واقعا برای تربیت نسل چه کرده‌ایم؟**

وقتی حنجره نویسندگان و ناشران این مملکت پاره می‌شود که ای مردم ایران تیراژ کتاب در این مملکت رسیده به ۳۰۰ جلد! آن هم برای ۸۰ میلیون نفر جمعیت! کسی اعتنا نمی‌کند..!! معلم‌ها و اساتید دانشگاه می‌روند دلالی و مسافرکشی، کسی اعتنا نمی‌کند..! تعداد دانش آموزان معتاد افزایش می‌یابد، انکار می‌کنند.

کودکان با وجود دسترسی به اینترنت در معرض بلوغ زودرس و آسیب هستند! به جای آموزش، سایت‌ها را فیلتر می‌کنند. شاید با خود بگویید با وجود این بمباران اطلاعات و نیز عصر ارتباطات، جوانان ما در حال آگاه تر شدن و تربیت هستند!! اما این طرز تفکر مسموم است، بله اینترنت، میلیون‌ها صفحه آموزشی در هزاران شاخه و دسته دارد اما این‌ها «آگاهی» نیست.!

مغز را انباشتن از اطلاعات بیهوده و از هر دری سخنی، انسان را به آگاهی نمی‌رساند. آنچه ما را آگاه می‌کند، پیامک‌های شبکه‌های اجتماعی نیست، بلکه «مطالعه» و «تحقیق» است، مطالعه یک کار علمی است، راهنما می‌خواهد، برنامه می‌طلبد، کتاب باید به سبد خرید شما افزوده شود و نیز این دانسته‌ها باید به «چالش» کشیده شود و دود همه این بی‌مبالاتی‌ها متوجه «جامعه» است! آسیب این نادانی و قصور در تربیت، به بنیاد خانواده می‌رسد!

وندال‌ها دارند حمله می‌کنند شایدکشمکش و بحث شما با یک عضو از یک گروه که در مورد مسئله‌ای آگاه نیست و به شما بی‌ادبانه حمله می‌کند، چیز پیش پا افتاده‌ای باشد اما این نشانه‌ای از وندالیسم مجازی است.

## ۶۱ هسته پژوهش و فناوری در دانشگاه خلیج فارس فعال است

رئیس دانشگاه خلیج فارس گفت: ۳۱ هسته نوآور دانشجویی و ۳۰ هسته پژوهش و فناوری (با محوریت استادان) در این دانشگاه فعال است.

به گزارش ایرنا، عبدالمجید مصلح در جمع خبرنگاران افزود: در این رویکرد تجاری سازی پژوهش و تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین و بین‌المللی سازی از جمله اهداف اصلی تیم مدیریتی این دانشگاه است.

وی اضافه کرد: بر اساس تحقیقات وزارت علوم ضریب اشتغالزایی فارغ التحصیلان این دانشگاه ۵۸ درصد است که این مهم نشان دهنده شاخص مطلوب اشتغال‌زایی این واحد دانشگاهی در بین دانشگاه‌های کشور است.

مصلح یادآور شد: این دانشگاه در جشنواره‌ها و المپیادهای علمی که در سال‌های اخیر برگزار شده موفقیت خوبی کسب کرده و دارای رتبه‌های برتر ملی و جهانی است.

وی افزود: اکنون ۶۰ دانشجوی بین المللی از کشورهای گرجستان، افغانستان و عراق در این واحد دانشگاهی مشغول به تحصیل هستند.

رئیس دانشگاه خلیج فارس گفت: این واحد دانشگاهی اکنون دارای هشت دانشکده و ۲۵۳ هیأت علمی است و از ابتدای تأسیس تاکنون توانسته به جایگاه مطلوبی در نظام آموزش عالی کشور دست یابد.

وی یادآور شد: این دانشگاه اکنون دارای ۹۱ رشته تحصیلی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا است.

مصلح بیان کرد: عمده تمرکز رشته‌ای دانشگاه خلیج فارس روی حوزه‌های مزیتی استان همچون حوزه‌های دریایی، کسب و کار و تجارت، انرژی، گاز و پتروشیمی، مهندسی و حوزه‌های زیستی دریاست.

### مسافر فوتبال (۱۰)

# چه شاهینی و چه ایرانجوانی، دوست داشتن من موفق بشم

## خاطرات محمود ابراهیم زاده ملی پوش فوتبال بوشهر

هنوز بچه های ایرانجوان نیامده بودن تو زمین که تمرین شروع کنند ماها همگی باهاشون دست دادیم و خوش و بش کوتاهی با هم داشتیم.
آقا جواد و شاه غلام هم رفتن بیرون از خط زمین و داشتند با آقای اکبر کبگانی صحبت می‌کردند، منم بعد از سلام و احوالپرسی با چندتا از بچه ها از زمین رفتم بطرف سکوها که آبی بخورم، همون لحظه شاه غلام صدام کرد و گفت برم پیششون، همین که رسیدم پیششون آقای کبگانی که مربیگری تیم جوانان بوشهر در جام ولیعهد در اهواز را به عهده داشت با من سلام و احوالپرسی کرد و گفت اگر میخوای با تیم ما تمرین کنی برو تو زمین و برو تو گروه قرمز تمرین کن.
گروه قرمز بیشتر جوان‌ترها بودند و مخصوصا ۵ تا شون از بازیکنان تیم منتخب جوانان بودند که تا رفتم تو گروه قرمز بیاد اون بازی‌ها در اهواز افتادم. تمرین رو با اونا ادامه دادم برام هیچ فرقی نداشت که با تیم ایرانجوان داشتم تمرین می کردم.
مربی را خوب می شناختم و خیلی قبولش داشتم، من و همه بازیکنان هم بازیهای جوانان و منتخب آموزشگاهها بودیم که چه در زمین و چه در بیرون زمین دوستان خیلی خوبی برای همدیگه بودیم، خلاصه تمرین هم با خستگی اما به خوشی تموم شد، بعد از تمرین آقای کبگانی می خواست صحبتی در مورد باشگاه ایرانجوان با بچه هاشون داشته باشه، از من خواست که برم لباس بپوشم و گفت تمرین پس فردا هم همین ساعت هست و حتما بیا.
همینکه آقای کبگانی بخاطر جلسه تیمی‌شون از من عذر خواست، تینو (حسین حیدری) با ایما و اشاره بمن فهموند که منتظر باشم که بعد از تمرین با هم بریم بیرون.
وقتی از زمین بیرون اومدم حسین سورکی هوادار دو آتیشه ایرانجوان رو پیست خاکی که مثلا برای دوومیدانی درستش کرده بودن اما هیچ نشانی از خط و خط کشی های مخصوص این ورزش رو نداشت وایساده بود، انگشت اشاره دست راستش را بالا گرفت و گفت بِچه خلیل ابریم زاده بیو! آغا بیو اینجا مثه ما ایجوِری (اینجوری) باش؛ و لحظه بعد همون انگشت را خم کرد و ادامه داد: نه ایجوری، نباش!
بخدا اگه بیِی ایرانجوان با تینو دوتایی کولاک میکنین، تینو همه توپ ها از تو هوا مثه عقاب با سر میندازه جلو پات، فقط تو بزنش تو گل، بخدا سی (به) تیمِی اینتر پنتر هم میزنین، اومد جلوتر گرفتم تو بغل و گفت تو مو میشناسی خو، میفهمی به مو چه میگن؟ جوابش دادم، بله میگن سورکی سه تا به یکی (نتیجه بازی شاهین و ایرانجوان)، البته من بی منظور گفتم، فکر کردم که میخواد مطمئن بشه که میشناسمش.
سورکی کمی مکث کرد و گفت، بخدا جونِ آغات، بووات (بابات) عامو خلیل خیلی کمکم کرده هر وقت میرم شهرداری پیشش؛ خُش (خودش) و آقای موییدی همیشه کمکم میکنن، برو آقا همو تهرون بَهز (بهتر از) هَمِی جان، (همه جاست)، خدا پشت و پنات باشه.
رفتم رو سکوهای استادیوم نشستم و منتظر شدم جلسه ی آقای کبگانی تموم بشه و چند ساعت بعد؛ یعنی شب؛ همراه تینو و حسین حمزه بریم بیرون.
در اولین بخش ورودی به سکوهای استادیوم و ردیف چهارم؛ یونس اشکو که هوادار ایرانجوان بود و هیچ تمرین یا مسابقه ای از ایرانجوان را از دست نمیداد، با کلاه مخصوص گرد و تبت ایش، اون بالا نشسته بود، و یه پاش انداخته بود رو اون پای دیگش و دست چپشو که یه نخ سیگار لای انگشتاش بود، ستون کرده بود زیر چونه اش و چشم دوخته بود به بچه های ایرانجوان که تو زمین بصورت نیمدایره جلو سر مربیشون نشسته بودند؛ کنار یونس، که اولین مغازه روزنامه ورزشی فروشی بوشهر را در گوشه فلکه ششم بهمن یا به اصطلاح اونروزها دروازه؛ اول ورودی خیابان ششم بهمن داشت، ماشاالله سینگر اولین خبرنگار ورزشی نویس بوشهر که اون هم از هواداران تیم و دوست بازیکنان ایرانجوان بود نشسته بود؛ یکی از بازیکنان بازنشسته ایرانجوان ماشاالله خباز هم یک سکو پایینتر؛ با قد و قواره باریک و بلندش ایستاده بود؛ شلوار سفید Lee لوله تفنگی و کفش مشکی ورنی پوشیده بود و موهای روغن زده اش منو بیاد خواننده مشهور امریکائی الویس پریسلی می انداخت، هر از گاهی به عقب برمی گشت و چیزی به اون دوتا میگفت و با هم میخندیدن، خباز سرپا وایساده؛ انگار نمی خواست بشینه که شلوار سفیدش خاکی و کثیف بشه، یک لحظه چشمش به من افتاد پای راستش را بالا برد گذاشت روی سکوی بالاتر خم شد و خودشو کشید بطرف اون دو نفر یواشکی پچ پچی با سینگر کرد؛ من احساس کردم من موضوع پچ پچشون بودم، در همون حال سینگر خبرنگار هم با چرخاندن سرش و از گوشه چشماش یه نگاهی بمن انداخت، که این تأییدی بود بر احساسم، من تا اونروز خباز رو از نزدیک ندیده بودم و همیشه در زمین فوتبال و در قالب مدافع تیم ایرانجوان روبروی تیم محبوبم شاهین دیده بودمش، لحظه ای بعد پاشو برگردوند رو سکوی قبلی و یه نگاه به زمین انداخت و دوتا دستش زد به کمرش و چرخید و اومد طرف من، انتظارش رو نداشتم به من که رسید گفت شنیدم داری میری تهرون و اونورا!
به رسم احترام از جام بلند شدم و باهاش دست دادم و گفتم بله شاید تهرون و شاید هم ابومسلم مشهد.
گفت خیلی کار خوبی میکنی، حتما موفق میشی، اینجا بمونی چند وقت دیگه فوتبالت تموم میشه و هیچکس یادی ازت نمی کنه، با موندن تو فوتبال بوشهر فسیل میشی، بوشهر مهد فوتبال هست اما مهد فراموشی هم هست، بزن برو که کار خوبی میکنی!
آقای سینگر خبرنگار هم اومد و در تأیید حرفای خباز گفت برو گلزنی کن و ما هم مرتب کیهان ورزشی و دنیای ورزشی را میخونیم و می بینیم که چه میکنی، خلاصه همه خوشحالیم و عشقت می خوریم، برو حق یارت باشه.
وقتی سینگر داشت باهام حرف میزد یاد روزی افتادم که رفته بودم میدون سینگر (محله شون) تا با تیمشون مسابقه بدیم اونم دم در خونه شون ایستاده بود و به دقت مشغول تماشا بود، برادر کوچیکترش مندلی که چپ دست و پا بود و در تیمشون بازی می‌کرد؛ با هر گلی که من میزدم شروع به جر زنی می‌کرد و به داور اعتراض می‌کرد: آغای داور آفسِیت بید (بود).
در واقع قانون افساید اصلا رعایت نمی شد ولی هر بار که گل میخوردند، یاد آفساید میفتادن؛ منم که ناراحت شده بودم با عصبانیت توپی که نزدیک دروازه کنار در حیاطشون بود محکم شوت کردم طرف در دکونشون که یه تابلو چرخ خیاطی سینگر روش چسبیده بود، ماشاالله که شاهد بود؛ وقتی عصبانیت منو دید؛ با لبخندی پررنگتر از تبسم همیشگیش، سری تکون داد و گفت نه! افساید نبود! گل درست بود.
خلاصه اون روز بعد از بازی به من گفت که بازیکن خوبی هستی ولی حیف که شاهینی هستی!
عجب روزهایی بود، همه مردم شهرم چه شاهینی و چه ایرانجوانی؛ دلشون می خواست از بوشهر برم؛ نه اینکه می خواستن ازشون دور بشم، بلکه دوست داشتن موفق بشم و آینده ی بهتری برام می خواستن، در این شرایط احساس مسئولیتم در قبال حمایت‌های مردم شهرم خیلی بیشتر می‌شد، و انگار هیچ گزینه ای بجز رفتن و موفق شدن برام نمونده بود، مردم کم هم نمی خواستند و می گفتند برو تا برسی به تیم ملی؛ آرزوهای بزرگی برام داشتن، و من هر چند خیلی جوون بودم و فقط با یک ساک ورزشی بار سفر سرنوشت سازم رو بسته بودم، ولی با حق شناسی؛ بار مسئولیت اخلاقی سنگینی بر دوشم داشتم و از طرفی با همه وجودم میخواستم محرومیتهای فوتبالیستهای خوب شهرم رو جبران کنم و استعدادهای سرشار اونها رو به همه بشناسونم، پس هیچ گزینه ای جز رفتن پیش پام نبود، در فکر و رویای رفتنم غوطه ور بودم که آقای کبگانی جلسه اش را تموم کرد و بازیکنان همگی از زمین خارج شدند، منم رفتم تو پیست دو و میدانی و از آقای کبگانی بابت فرصت تمرین تشکر کردم بعد تینو هم اومد پیش ما و گفت بریم؟
آقای کبگانی رو به تینو کرد و پرسید کجا می خوای ببریش؟
تینو جواب داد آقا بریم حموم یه دوشی بگیریم و بعدش بریم خونه.
کبگانی گفت محمود جان امروز حواسم به تمرینت بود آخراش کم آوردی و دیدم که به روغن سوزی افتاده بودی، یادت باشه لیگ تخت جمشید تیما گردن کلفتن و باید راحت بتونی ۱۲۰ دقیقه دووم بیاری، سعی کن تو ای چند هفته باقی مونده خوب خوراک بخوری مثه تینو فقط نون و چای و بسکوت نخوری، تغذیه ات خوب کن، خوب بخور بموقع خوب بخواب و خوب تمرین کن، از شب نشینی هاتم کم کن، و رفت یه ندایی هم به تینو داد، هی حواست بهش باشه زود ولش کن بره بخوابه بعد خداحافظی کرد و رفت.
تینو و رسول حسن پور به منو حسین حمزه گفتن ما میریم باشگاه لباسمون عوض می کنیم و بعدش با هم میریم کشتی رافایل و اونجا شام ایتالیایی میخوریم، وعده کردیم سر تل (تپه) عاشقون که روبروی باشگاه ایرانجوان و مشرف بر دریا بود همدیگر را ببینیم، من و حسین حمزه زودتر رفتیم سر تل عاشقون و اونجا منتظرشون نشستیم.
تل عاشقون (تپه عاشقون) پیشرفتگی صخره های سخت و تخته سنگهای بزرگی بود که حدود بیست متر تو دل دریا فرو رفته بود و حدود ده متری ارتفاع داشت، تابش نور سرخرنگ خورشید غروبگاهی بر تن عریان صخره ها و تخته سنگهای بزرگی که بخشی از بدن عریانشون با خزه و جلبک‌های سبز رنگ پوشیده شده بود، زیبایی خاص و فضای عاشقانه ای بوجود آورده بود و هر چه که خورشید بیشتر در آب فرو میرفت موج عاشقانِ روی تل بیشتر می‌شد، فضای زیبای تل عاشقون همه احساسات لطیف جوانی درونی منو بر می انگیخت.




در هر حال اون شب؛ روی تل عاشقون، مرتب سناریوی رفتن به تهرون و مشهد رو تو ذهنم مرور می کردم و بقول امروزیها برای خودم نقشه ی راه به تصویر می کشیدم، اما سوال بزرگی تو ذهنم نقش می بست که اگر برم و اگر بشود، چه شود؟ و چون اراده ی من بر شدن بود؛ پس هیچگاه به کلمه ی نشود فکر نمی کردم.
حسین حمزه هم مرتب و بیشتر از همه تشویقم می‌کرد که محمود برو!
ولی چه بگم که با تمام آرزوهای فوتبالی و شوق رسیدن به تیم ملی و هزاران رویای جوانی که در سر داشتم، فقط یک چیز بود که بر تمام دلم و وجودم سنگینی می‌کرد، و گاه گاهی از فرط سنگینی اش، فکر نرفتن را به جانم می ریخت و رفتن را در آخرین روزها برایم سخت تر کرده بود، هر زمان که بفکر فرو می رفتم، هزاران رویای تجربه نکرده و خاطرات شیرین گذشته را در رنگ‌های زیبای صخره های آفتاب خورده تل عاشقون با لبخندی عاشقانه؛ درون خودم تصور می کردم و از حال خوشی که برآمده ی از عشق و عاشقی بود در پوستم نمی گنجیدم، اما عقل و منطقم حکم می کرد که برای دستیابی به عشق و رویاهایم؛ عزم را جزم کنم و بروم؛ پس با خودم می گفتم می‌روم! می‌روم تا بی نهایت! تا آنجا که توان داشته باشم به آسمان فوتبال ایران چنگ می زنم!
داشتم برای حسین حمزه ئیان تعریف می کردم که حتما باید برم تهرون و حتما باید با یکی از تیمهای خوب جام تخت جمشید تموم کنم و برای خودم راهی، تو فوتبال ایران باز کنم.
تابش نور سرخ غروبگاهی خورشید؛ فضای زیبا و عاشقانه ای به تل عاشقون می داد و چه بسا که اسم تل عاشقون رو یه عاشق؛ تو لحظه های غروب خورشید رسم کرده بود. عشاق شهر غروب هر روز می رفتن سر تل و به تماشای پیوند عاشقانه خورشید و دریا می نشستند؛ ما هم قدم زنان به طرف در ورودی باشگاه ایرانجوان راه افتادیم، آقا جواد گرانبها و احمد تورانی با موتورسیکلت آبی رنگ کاوازاکی که آقاجواد از شیخ قطر به صورت اهدایی گرفته بود، از خیابان کنار تل رد می شدن، احمد آقا تورانی متوجه ما شد و سلام داد و به آقا جواد گفت که محمودداینا سر تل ایستادن!
آقا جواد مثل برق سرعتشو کم کرد و دور زد و اومد جلو پای ما ترمز کرد، گفت اینجا چه کار می کنید؟ تمرینتون که یک ساعت پیش باید تموم شده باشه! حسین جواب داد که منتظر تینو و رسول حسن پور هستیم که با هم بریم رستوران لنگر شامی بخوریم.
آقا جواد که همیشه ریز و پیز همه رو سریع حدس میزد، برنامه را بهم زد، گفت نه عزیز جان، لنگر نمی خواد برین، لنگر رفتن همون و تا نیمه شب بیدار نشستن هم همون! اون دوتا هم که اومدن، چهارتایی بیایید سینما پارس و امشب همه تون دعوت من هم فیلم ببینید و شامتون هم با من!
احمد تورانی نگاهی به ما دو نفر انداخت و بعد محکم زد زیر خنده اما دستش گذاشت رو دهنش که از جواد قایم کنه، ولی با پف و پف خنده ی احمد؛ جواد متوجه شد وگفت زودتر بیایید که فیلم دوستم داریم نمایش میدیم امشب، فیلم خاطرخواه از ناصر ملک مطیعی؛ بعد حرکت کردن و رفتن!
آقا جواد تو یکی از فیلمها با ناصر ملک مطیعی همبازی بود و از همونجا خیلی با هم دوست شده بودند و چون مدیریت سینما را هم داشت؛ بیشتر فیلمهای ملک مطیعی را می آورد!
تینو و رسول از باشگاه اومدن بیرون و حسین فوری برنامه بهم خورده را گذاشت تو کف دستشون، رسول و تینو هم حالشون گرفته شد؛ تینو به رسول گفت، ای ریپو، امشو دمام بی دمام، من گفتم که آقا جواد گفته شما هم با ما بیاین بریم اونجا، تینو گفت مسخرمون کردی محمود!، درسته که سیاه هِسیم اما دیگه بنگلادشی خُ نیستیم! نه اصلن ولش کن رسول بریم خونه خومون!
اصرار کردیم که چرا با ما نمیاین، تینو صداش دراومد، با خنده گفت: اونجا مگه میشه خنده و مسخره بازی دربیاریم، جواد با ای دستای سنگینش بزنه تو سرمون. برو! خوتون برین، بی خیال ما، قرار گذاشتیم فردا صبح تو دروازه یه ساعتی همدیگه ببینیم.
منو حسین سوار موتور شدیم و رفتیم به طرف سینما پارس.
برای رسیدن به از تل عاشقون تا سینما پارس راه زیادی نبود؛ یعنی کمتر از یک کیلومتر بود؛ از استادیوم که سمت راستمون واقع می‌شد و هتل جلب سیاحان که سمت چپمون بود گذشتیم، کمی پائینتر؛ سمت راست؛ کاخ جوانان ساخته شده بود که بیشتر وقتها بچه های هنری اونجا جُل (تلپ) می شدند، سمت چپمون هم یه میدون بازی بود که از اونجا می‌شد حموم شهرداری رو ببینی.
کمی پایینتر سر چهار راه اول ساختمان دادگاه بود که دوتا شاهینی ناب اونجا کار می‌کردند، آقای زارعی کارآگاه و آقای سالمی که هر کدوم از بچه های شاهین مشکلی پیدا می کردن سریع مشکل رو حل می‌کردند، آقای زارعی که قد و قواره باریک و بلندی داشت، خیلی دقیق و حرفه ای بود؛ مو از ماست بیرون می کشید، معمولا اگر خانه کسی مورد سرقت قرار می گرفت با سه شماره، دزد و بز رو حاضر می‌کرد!
سر نبش چهار راه هم سمت چپ انتهای خانه های مسکونی کارمندان بیمارستان ۲۵ شهریور بود گوشه جنوب غربی هنرستان حاج جاسم بوشهری هم نبش شرقی اون چهار راه بود و حدوداً ۱۰۰ متر جلوتر چهار راه اصلی و اول شهر بود که ضلع جنوب شرقی هنرستان در یک گوشه و نبش روبرو تعمیرگاه نمایندگی ایران ناسیونال یا همون پیکان بود و دو نبش دیگر انتهای محوطه ساختمان بزرگ تلویزیون و روبروی آن اولین و تنها پمپ بنزین شهر بود که آقای حسین بردخونی پدر مجید بردخونی مدیریتش رو به عهده داشت و همیشه با یه لباس فرم آبی بِلِرسوت مشغول انجام وظیفه بود.
کنار پمپ بنزین؛ سینما پارس قرار داشت که سینمای روباز و بدون سقفی بود و کنار نمایش فیلم سینمایی، چند باری در سال محل اجرای گاردن پارتی هم بود و جناب محمدیان صاحب سه سینمای بوشهر، مدیریت سینما پارس رو به آقا جواد سپرده بود؛ دم سینما خیلی شلوغ بود و آقا جواد و احمد تورانی و شاه غلام بوالخیری و مجید سلیم پور و علی مصلح هم یه گوشه جلو سینما و نزدیک گیشه بلیط فروشی وایساده بودند، ما دو تا هم رفتیم پیش اونا، علی مصلح تا منو دید صحبت از رفتنم کرد، و گفت یادت نره، قبل از رفتن چند تا چیز دارم باید ببری تهرون برای مسیح نیا و محمد نعیما، گویا قرار بوده کفش آدیداس آلمانی با سه خط زرد و سبز براشون گیر بیاره و بفرسته.
سر در سینما یه پرده بزرگ زده بودن که صحنه ای از فیلم با تصویر ناصر ملک مطیعی و اسم فیلم که بزرگ نوشته شده بود "خاطر خواه" به چشم می خورد، جواد صدامون زد و گفت زودتر برید اون ردیف جلو و صندلیهای وسط بشینید که روبرو سن باشین، ما هم راه افتادیم رفتیم تو سینما؛ یک گوشه سمت چپ بوفه کوچکی بود که محل فروش ساندویچ و نوشابه و کیک و تخمه و تنقلات برای تماشاچیان بود، مسئول بوفه یکی بود بنام اسماعیل گانیک زاده (اسمیل بلبلو) که از خادمان مسجد محله شکری هم بود و در ماه محرم و برنامه های تعزیه تاسوعا و عاشورا وووو نقش ابن سعد به عهده داشت، هر سال یکی دو ماه مورد نفرین خانم‌های محل قرار می گرفت، چون که به حرمله ی تیرانداز دستور داده بود که سفیدی زیر گلوی علی‌اصغر را هدف قرار دهد، خلاصه اونجا ما غریبه نبودیم؛ وقتی که خواستیم رو صندلیمون بشینیم؛ علی مصلح گفت محمود و احمد پیش هم بشینند، اسم فیلم خاطرخواهه و این دو نفر هم که دم شون گیره و خاطرخواه هستن، با هم درد دل کنن! جو جالبی بود؛ هر کسی می خواست صندلیشو پیدا کنه چند تا کنترل چی هم که هر کدام یه چراغ قوه تو دستشون بود نگاهی به بلیط می کردن و نور چراغشون پایین می انداختند تا جلو پاشون رو ببینند و تماشاچی رو می بردن سر صندلیش می نشوندن، چند تا شاگرد و فروشنده کافه هم یه طبق چوبی چهار گوش با یه بند از گردنشون آویزون کرده بودند و مابین صندلیها راه می رفتن و آهسته برای فروش ساندویچ کالباس، سوسیس؛ پپسی، کانادا، کیک، تخمه تبلیغ می کردن و تند و تند جنساشون رو می فروختن، یکی هم که فورمن یا همون سرپرست بقیه فروشنده ها بود، پسر اسمیل بلبلو بودکه اسمش ابراهیم بود و دفاع وسط تیم محله شکری بود، و به اسم مستعار (ارو) بر وزن (ادو) ی برزیلی که با تیم سانتوز به ایران اومده بود شناخته می شد، خیلی هم شاهینی دو آتیشه ای بود.
چراغای کم نور سینما کاملا خاموش شد و فیلم شروع شد، با ظاهر شدن تصویر ناصر ملک مطیعی روی پرده سینما از صدای سوت و دست زدن تماشاگران فیلم داشت منفجر می‌شد.

# سرنوشت شاهین بوشهر در انتظار پارس جنوبی جم

**محمود موسوی :** این روزها زمزمه هایی به گوش می رسد که شرایط را به سمتی می برند که ما مردم و هواداران به یقین رسیدیم که آقایان دوست ندارند تیم پارس جنوبی جم در لیگ برتر بماند.
یکسال و نیم از حضور این تیم محبوب و مردمی جنوبی و بوشهری در لیگ برتر می گذرد که متاسفانه نمی خواهند پارس جنوبی موفق باشد، از یک طرف تیم را تحت فشار قرار می دهند و از طرف دیگر مانع می شوند که پول به تیم تزریق شود.
دستهایی پشت پرده خیلی زیرکانه کار خودشان را در سکوت آرام مسئولین استان و شهرستان پیش می برند که به نظر بنده احتمالا امسال آخرین سال حضور این تیم در بالاترین سطح فوتبال کشور شاهد خواهیم بود.
پالایشگاه گاز فجر جم که براساس تعهدنامه فیمابین خود و منطقه ی ویژه متعهد بوده که مواردی را برای برگزاری بازیها در شهرستان متقبل باشد از قبیل اسکان و غذای ناظران و داوران و... طفره رفته و شانه خالی می نماید و به بهانه های واهی و صرفا با فشار فرمانداری شهرستان و بصورت کج دار و مریض همکاری نصف و نیمه را انجام می دهد.
آنها خیلی استادانه و بدور از چشم مردم و مسئولین نارضایتی خود را در قبال همکاری با تیم پارس جنوبی جم به گوش مسئولان ما فوق خود رسانیده و به زودی شاهد خواهیم بود همان سرنوشتی را که خیلی آرام و مرموزانه منجر به تعطیلی فرودگاه جم انجام دادند با همان طرفند تیم پارس جنوبی جم را قربانی خواهند نمود.
حضور این همه مجموعه ی عظیم گازی و پتروشیمی در منطقه ی پارس جنوبی و درآمد میلیارد دلاری ماهانه و نیز حضور کارکنان و خانواده های محترم آنها در شهر و شهرستان جم و شهرستانهای همجوار و میزبانی شایسته از آنها واقعا از تامین هزینه ی سالانه ی تنها تیم لیگ برتری استان برنمی آیند؟
پس منابع مالی چند ده میلیاردی تیمهای پایتخت نشین استقلال، پرسپولیس، پیکان و سایپا و نیز تیمهای سپاهان و ذوب آهن اصفهان و فولاد خوزستان و... چگونه تامین می شود. بی انصافی و بی عدالتی از این بالاتر که استان بوشهر با این همه درآمد برای کشور توان اداره ی یک تیم لیگ برتری نداشته باشد. پس تعاملات اجتماعی و دهها واژه و عبارت زیبا و دهان پرکن کجا رفت؟
اگر هر یک از واحدهای پتروشیمی (بیش از ۲۰ واحد) سالانه مبلغی را از محل تعاملات اجتماعی منطقه ی پیرامونی خود به منظور کمک به تیم پارس جنوبی در نظر می گرفتند و بصورت مشخص پرداخت می نمودند الان شرایط تیم به این صورت نبود که هر روز شاهد بحران در تیم و خون جگر خوردن ما مردم و هواداران باشیم.
مگر مردم شهرستانهای جنوبی استان و استانهای همجوار چه اقدام شاق و غیر قابل اجرا از وزارت محترم نفت وزیر مجموعه های آن در منطقه ی تحت نفوذ پارس جنوبی می خواهیم.
نابودی محیط زیست، از بین بردن منابع سطحی وزیر سطحی آبهای منطقه با برداشتهای بی رویه، نابودی کشاورزی و دامداری و صیادی، آلودگی محیط و شیوع انواع بیماریهای صعب العلاج، گرانی غیر قابل تحمل زمین و مسکن برای مردم فقیر و ارزاق و مایحتاج عمومی مردم و نیز کمبود فضاهای آموزشی و بهداشتی درمانی و...
انتظار و توقع مردم استان و شهرستانهای جنوبی از جناب سید پیروز موسوی مدیرعامل محترم منطقه ی ویژه این است که با عنایت به تجربه ی موفق با اجرای راهکار مناسب معضل مالی باشگاه را به شکلی منطقی و اصولی مرتفع تا مردم و هواداران بیش از این نگران آینده ی این تنها دلخوشی و شادمانی خود نباشیم.
از استاندار بابت حمایتهای مستمر از باشگاه پارس جنوبی جم و نیز همراهی و همدلی نمایندگان استان و فرماندار محترم شهرستان و شوراهای اسلامی استدعا داریم آستین همت را بالا زده و با ارائه و تقدیم راهکار مناسب یکبار برای همیشه مشکل مالی و...تیم را حل و فصل نمایند. ان شاالله
مردم هواداران چشم انتظار همراهی و حمایت تمامی اصحاب رسانه ی استان و شهرستانهای همجوار جهت بیان این موضوع تلخ و نگران کننده و دفاع از این مطالبه ی بحق مردم از وزارت نفت وزیر مجموعه های آن در منطقه ی پارس جنوبی هستیم. دعاگوی تمامی خدمتگزاران خواهیم بود.



هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

# نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر




## یک رسم غلط و هزار مصیبت و عزا

اسماعیل منصورنژاد



تا حالا آدم‌های بی‌گناه زیادی در مراسم عروسی، استقبال از «حاجی»، عزاداری، عروسی، ختنه‌سوران و... به خاطر یک رسم احمقانه کشته شده‌اند و شادی به عزا تبدیل و عزا دوبل شده است.

رسم احمقانه تیراندازی در روستاها و اغلب در جوامعی که به صورت قبیله‌ای و عشیره‌ای زندگی می‌کنند، آن هم در قرن بیست و یک و توسعه انواع رسانه رسمی و غیررسمی که باید عقل‌ها از خامی درآمده باشد، به یک معضل برای مملکت ما تبدیل شده است.

این گونه قتل‌ها نیز بی‌بروبرگرد «غیرعمد» است و قاتل نهایتاً مدتی می‌رود زندان و بعد خلاص. همین که طرف می‌داند کشتن یک بی‌گناه در چنین مراسمی عواقب چندانی ندارد، چه بسا گستاخ شود که بخواهد از کسی در چنین مراسمی انتقام هم بگیرد.

در کنار کشته‌های قبلی که آماری از آنها در دست نیست، یک نفر دیگر چند روز پیش در یک مراسم ختم و در یکی از روستاهای عشیره‌ای آبادان کشته شد تا ثابت شود که هنوز تا پختگی عقلی راه درازی در پیش داریم.

اینکه تیراندازی در عزا و عروسی چه معنی می‌دهد، کسی چیزی نمی‌داند؛ جز آنها که یک هفته قبل از عروسی و همزمان با مردن یک نفر تفنگ‌شان را چرب می‌کنند تا خود را در جمعی که آنها نیز سطح فهم‌شان اندازه شخص مسلح است، به نمایش بگذارند و فاجعه بسازند.

سخت‌ترین بخش این ماجرای تلخ، همین «چه باید کرد» است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل بازدارنده، کار فرهنگی و آگاهی دادن به کسانی است که بدانند وقتی کسی با تفنگ وارد مجلس شادی یا عزا می‌شود، بقیه به نشانه اعتراض بیرون بروند و صاحب جشن یا عزا نیز نگذارد فرد مسلح وارد مراسم شود.

در کنار این کار، قانون نیز باید با «زور» و «خشونت»، افراد مسلح را بر جای خود بنشاند و سخت‌ترین مجازات‌ها را برای آنها در نظر بگیرد و اتهام «قتل غیرعمد» را هم از کیفرخواست بردارد که قاتل احتمالی بداند مجازات سختی در پیش‌روی اوست و نمی‌تواند جان سالم به در ببرد.

تصور کنید چرا باید کودک ۵ ساله‌ای که همراه با مادرش به عروسی می‌رود، چند دقیقه بعد غرق در خون شود؟ یا چرا باید همزمان دو نفر از اعضای خانواده صاحب‌عزا در همان مراسم ختم کشته شوند و عزا به سه عزا تبدیل شود؟

## تکمیل و ترمیم تجهیزات موجود و همچنین ارتقا مبلمان شهری توسط خدمات شهرداری بندر بوشهر




اجرا و نصب بلوک جداکننده در ورودی خیابان بیمارستان امیرالمومنین روبه رو پارک شغاب توسط حوزه معاونت خدمات شهری (اداره تاسیسات)

به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر پارک ساحلی ریشهر با چشم اندازی زیبا و منحصر به فرد یکی از جاذبه ها و مقاصد مهم گردشگری شهر بوشهر بوده که علاوه بر مسافران نوروزی و سایر مهمان ها، در طول سال نیز شهروندان بوشهری استقبال چشم گیری از این مکان دارند.

شهرداری بوشهر نیز در راستای تکمیل و ترمیم تجهیزات موجود و همچنین ارتقا مبلمان شهری در این محدوده تلاشی وافر و چشمگیر دارد.

اجرای پارک درون دره ریشهر یکی از اقدامات مهم صورت گرفته در این محدوده می باشد.

- ترمیم و بازسازی نرده های حفاظتی واقع در پارک ریشهر (از ورودی پارک تا انتهای دره) هم اکنون توسط حوزه معاونت اجرایی و خدمات شهری شهرداری بوشهر و تحت نظارت شهرداری منطقه دو در دست اجراست.

با اتمام این تعمیرات و همچنین اجرای آلاچیق های جدید در آن مکان، خدمت رسانی به عموم مردم کیفیت مناسب تری خواهد گرفت.

ترمیم و بازسازی ماشین نمادین کنار ساحل پارک شورا که توسط حوزه معاونت خدمات شهری اجرا می گردد. رنگ آمیزی و آشکارسازی سرعت گاههای سطح شهر به همت مدیریت حمل و نقل و ترافیک شهرداری بندر بوشهر.

### محکومیت حمله به خبرنگار گناوه ای:

# حمایت از آزادی اهل قلم، جامعه‌ی خبرنگاری و الیاس احمدحسینی

با نام و یاد و توکل بر خداوند بخشاینده مهربان
گفت آن دوست کزو گشت سرِ دار بلند
جرمش آن بود که اسرار هویدا می‌کرد

متاسفانه روز بیست و سوم بهمن ۱۳۹۷ از ضرب و شتم آقای الیاس احمدحسینی خبرنگار، فعال سیاسی- اجتماعی و صاحب قلمی رسا در تبیین درد مشترک و منافع مغفول مانده مردمان از جانب گروهی آتش به اختیار در مقیاسی کوچکتر خبردار شدیم که علاوه بر تلخ کامی، خود حامل پیامی چند برای جامعه‌ی پر التهاب شهرمان گناوه است.

اول- رفتار مستبدانه در هر سطحی منفور و محکوم است و علی رغم میل دشمنان، آزادی موجب محبوبیت بیش از پیش الیاس احمدحسینی‌ها می‌شود. پُر واضح است که این چنین اقدامات وحشیانه‌ای نتیجه‌ای عکس برای صاحبین زر و زور و اهالی تزویر دارد.

دوم - کماکان نقد دلسوزانه اصحاب فاسد قدرت، نالایق و غیر پاسخگو هزینه‌دار است، البته امثال احمدحسینی‌ها آگاهانه پذیرای آن هزینه‌ها بوده و هستند.

سوم - اگر این رفتار بدعت‌گونه باب شود، سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و این شیوه، آسیب‌های زنجیره‌ای و بی‌شمار اجتماعی را به دنبال خواهد داشت و آتشی به پا خواهد ساخت که دود آن به چشم همگان و بیشتر قلدران مست از قدرت و ثروت بادآورده خواهد رفت.

چهارم - این حرکت ناپسند و غیرانسانی، محک و معیاری است برای مسئولین و مراجع قانونی، تا با برخورد قانونی و سریع خویش، دیگر هرگز شاهد حمله‌های وحشیانه به انسانی فرهیخته که به جرم «نقد مقام و مسئولین» هدف چماق به دستان شده، نباشیم و مهمتر آنکه صلاحیت و سلامت نفسِ افراد بیشتر مورد مداقه قرار گیرد تا به ناحق بر گرده مردم سوار نشوند، و اشخاص شایسته را به دلیل نظارت نااستصوابی حذف نکنند؛ هر چند مردم و وجدان عمومی خود قضاوتگر شرایط موجود هستند.

در آخر، «الیاس احمدحسینی تنها نیست» و در چارچوب قوانین موجود، شهروندی پایبند به



اصول مدنی و خواهان گفتگو و تعامل به دور از خشونت است. "تا سیه روی شود هر که در او غش باشد"

بدینوسیله اسامی ذیل، ضمن محکوم کردن چنین حرکات کور و نابخردانه، خواهان برخورد قانونی با آمران افراد خاطی، حمایت همه جانبه خود از آزادی اهل قلم، جامعه‌ی خبرنگاری و الیاس احمدحسینی را اعلام می دارند.

۱-سیدعلی حسینی حقیقی- ۲-عبدالرضا مظفری نژاد-۳-حسن احمدي ۴-حامد ابراهیم زاده ۵-حجت مرادي ۶- اکبر صابری ۶- سیدمنصور موسوی ۷- خالد خلیلی ۸- سیدامراله موسوی ۹-حاج یداله موسایی ۱۰- ایمان یوسف زاده ۱۱- محمد گودرزی ۱۲-مهدی تنگستانی ۱۳- مرتضی خضري ١٤- محسن ابراهیم زاده ۱۵- اکبر مولایی ۱۶- فاطمه سعادتمند ۱۷- احمد مطهری ۱۸- محسن روشن ۱۹- حسن ملک زادگان ۲۰- مهدی قایدزاده ۲۱- عباس مرادی ۲۲- عباس خواجه ئی ۲۳-علیرضا دشتی ۲۴- خیری واعظ ۲۵-هادی برمکی ۲۶- علی حیدریه ۲۷- مهدی دشتیان ۲۸- محمد حیاتی ۲۹- محمود دشتی زاده ۳۰- محمود خدری ۳۱- سیدجوهر موسوی ۳۲- حسین حسن زاده ۳۳-شیرزاد بهارلو ۳۴- اردشیر شمسی زاده ۳۵-غلامرضا نعمتی ۳۶- حسن لاوری ۳۷- خانم قرائتی ۳۸- حسن محبی ۳۹- حاج محمد حسن پور ۴۰- محمد غلامی ۴۱- خضر خلیلی ۴۲- حسن بحرانی ۴۳- عیسی خرم آبادی ۴۴- حسین روئین تن ۴۵- محمد کرمي فر ٤٦- حمید عشایري ۴۷- پیمان اسفندیاری ٤٨- عبدالمهدي مرادپور ۴۹- فرهاد سرخوش پور ۵۰- افضل دهداری ۵۱- محمد راستگو ۵۱- راضیه بهیان نژاد ۵۲- بابک فقیه ۵۳- حسن سعادتمند ۵۴- مسلم روئین ۵۵- ایرج حیاتی ۵۶- حسین غلامی ۵۷- نشمین شمسی زاده ۵۸- مریم خوئینی ۵۹- سجاد ملک زاده ۶۰- سجاد ابراهیمی ٦١-مهدي جاودان ٦٢-محمدرضا حاجیانی ٦٣-سید اسماعیل حسینی حقیقی ٦٤-سیدامراله موسوی ٦٥- قاسم احمدي ٦٦-احمد لیراوي ٦٧- فرهاد طاهر ٦٨- ارسلان احمدي ٦٩-حسن قرائتي ٧٠- فاطمه خدری دیلم ٧١- عماد حیدریه ٧٢- غلامرضا دشتی دیلم ٧٣- مدیریت فعالین محیط زیست ٧٤- سیدعبداله حسینی حقیقی ٧٥- ندا کشاورز ۷۶-عادل پناهی ۷۷- عبدالخالق قایدی ۷۸- داراب عرب ۷۹- عیسی کشاورز ۸۰- محمد آقایان حسینی ۸۱- سید عیسی حسینی حقیقی ۸۲- سید رضا موسوی ۸۳- مجید مهدوی ۸۴- مهناز لاوری ۸۵- محمدجواد رنجبر ۸۶- سید مجتبی موسوی ۸۷- محمدرضا هنرکار ۸۸- غلامعلی بدخشان ۸۹- حیدر خسروانی ۹۰- سیدغریب موسوی ۹۱- سیامك برازجاني ۹۲- عباس خسرواني ۹۳- حاج رسول قایدي ۹٤- عبدالحسین نامدار ۹۵-سیدمهدی موسوی ۹۶- حمیدرضا بلخی ۹۷- کیوان حیدری ۹۸- کریم عرب ۹۹-حاج محمدعلی احمدزاده ۱۰۰ - سعید موسایی ۱۰۱- محمد موسایی ۱۰۲- جواد حیدری ۱۰۳- سمیر برمکی ۱۰۴- عباس جاودانی ۱۰۵-محمدعلی احمدزاده ۱۰۶-علی ایزدی ۱۰۷- علی کرم ملک زاده ۱۰۸- رسول حیاتی ۱۰۹- سیدعبدالجلیل حسینی ۱۱۰- علی کرم کمالی ۱۱۱- قاسم جنتی اصل ۱۱۲-سید غلامرضا رضوی ۱۱۳- علی زارعی ۱۱۴- ناصر کدایی ۱۱۵-محسن امیری ۱۱۶- مهدی مقاتلی ۱۱۷-علی رضا حاجب ۱۱۸-اسفندیار فتحی ۱۱۹-مرتضی رضایی ۱۲۰- دارا جوکار ۱۲۱-فاطمه جلال پور ۱۲۲- محمدرضا حسینی ۱۲۳-احسان جوریز ۱۲۴- علی پناهی نصب ۱۲۵-علیرضا سولی زاده ۱۲۶- سید عبدالرضا حسینی حقیقی ۱۲۷- حاج روح الله فروتن ۱۲۸- جواد ملک زاده ۱۲۹- فاطمه صفایی ۱۳۰- علی پیمان ۱۳۱-سهراب باقری ۱۳۲- مهدی بهمنیاری ۱۳۳-محمدرضا حسینی ۱۳۴- جواد ملک زاده ۱۳۵-شاهین جعفری ۱۳۶-منیره علی پور ۱۳۷- ماشاالله تردیده ۱۳۸- روح اله عبداله پور ۱۳۹-عباس اختیاری ۱۴۰-نوید خرم‌خورشید ۱۴۱-علی بیداری ۱۴۲- هادی بحرینی ۱۴۳-مینا کنارکوهی ۱۴۴-سعید زارعی ۱۴۵- صفورا عرفانی ۱۴۶- سمیه توصیفیان ۱۴۷- آرش کنارکوهی ۱۴۸-سحر مقدسی ۱۴۹- معصومه خدری ۱۵۰-سیدعلیرضا موسوی ۱۵۱-بهزاد جمی ۱۵۲-محمد سفیدی ۱۵۳- آرزو کنارکوهی ۱۵۴- صغری اکبرزاده ۱۵۶- زهرا شعبانی ۱۵۷- سارا قهرمانی ۱۵۸-جاسم کنارکوهی ۱۵۹-زینب صادقی ۱۶۰-سیده فاطمه هاشمی ۱۶۱- کبری کنارکوهی ۱۶۲- محمد خدری ۱۶۳-ندا کنارکوهی ۱۶۴- لیلا رضایی ۱۶۵ امین خدری ۱۶۶-ستاره تناور ۱۶۷-حمید ارجمند ۱۶۸-فریده گنجی ۱۶۹- مجتبی عباسی ۱۷۰-حسینعلی برنس ۱۷۱- علی هوشمند ۱۷۲-جاسم صفری ۱۷۳-بابک شاکر ۱۷۴- سیدنورالله موسوی ۱۷۵- حسین جلال‌پور ۱۷۶-حسین مرادي ۱۷۷- فاطیما خرم آبادی ۱۷۸- برنا بدخشان ۱۷۹-نادر نجدی ۱۸۰- حسین صداقت ۱۸۱-فاطمه فرامرزی ۱۸۲- محمدرضا گرگی لیراوی ۱۸۳- محمدتقی مظفری(عبدو) ۱۸۳-بهادر اسدی ۱۸۴-رضا علی پور ۱۸۵-حسین زنگنه ۱۸۶- مهدی امیری ۱۸۷-حسن مژده ۱۸۸- حسین مژده ۱۸۹- قدرت رحیمی ۱۹۰-عبدالرحیم مهرور۱۹۱-حسین عباسی سملی ۱۹۲-خدارحم کرم زاده ۱۹۳- قاسم محمدی باغملایی ۱۹۴- شاپور مجاهدی ۱۹۵- اسکندر احمدنیا ۱۹۶- جواد رضایی ۱۹۷- عباس رضازاده ۱۹۸-عبدالرحیم کارگر ۱۹۹- بیژن نوشادی ۲۰۰-مهرنوش ذالفقاری ۲۰۱-اسد بهادری ۲۰۲-فرشید لاری ۲۰۳- محمدرضا فرهنگی ۲۰۴-مسعود حسن پور ۲۰۵- محمد کرمی ۲۰۶- سیدجعفرحسینی حقیقی...

# دیدار اعضای کانون پیشکسوتان شاهین با نادر فوتبال بوشهر



رضا سیاهوشي: پنالتي هايش همه تبديل به گل مي كرد و ضربه هاي كاشته اش هم، همه بوي گل مي داد. بازيكني خوش تيپ، خوش اخلاق، بامرام و بامعرفتي بود كه در زمين و خارج از زمين همه دوستش داشتند و به او احترام مي گذاشتند زيرا خودش به همه احترام مي گذاشت و به راستي هم كه جنتلمن فوتبال بوشهر بود.

هنوز پس از سال ها خداحافظي از فوتبال همه به نيكي و از خاطرات خوب و شيرين او ياد مي كنند و خودش مي گويد كه قشنگي در برخوردها و رفتارهاي گذشته و جدا دانستن رفاقت ها با رقابت ها، خاص و مثال زدني بود و جذابيت و زيبايي اين همدلي ها، دورهمي ها و صميميت ها از همان ايام مي باشد كه تكرارناشدني است.

در ابتدا يادي شد از زنده يادانی همچون: علي اكبر كبگانيان، محمدعلي برزين، حميد راستيان، ماشاالله ماهيني، مصطفي نظرزاده و ديگر عزيزان كوچ كرده ايرانجواني و شاهيني هاي همچون؛ زنده يادان؛ افشار، زنگويي، گرانبها، ثابت، توراني و ... و به احترامشان بپاخاستيم و يك دقيقه سكوت كرديم.

"نادر اقدام" پيشكسوت ستودني فوتبال بوشهر و باشگاه مردمي ايرانجوان ميزبان شايسته ما بود كه با سركار خانم زيبا راستيان (همسرش) و آقازاده اش (آرش خان) بسيار گرم و صميمي پذيراي ما شدند كه جاي تقدير و سپاس از آنان مي رود.

نادر خان متولد سال ۱۳۲۸ در محله شاه آباد (كوتي) مي باشد كه پس از مدتي به محله شكري عزيمت كردند و در عمارت اقدام ساكن گرديدند.

مادرشان زود از دست مي دهند و پدر وي هم زنده ياد عبدالنبي اقدام بود كه بسيار مهربان، متين، خوش اخلاق و بامرام بود.

مسعود و ناصر برادرانش هستند و نصرت هم خواهرش است كه همه از خوبان بوشهر هستند.

نادر اقدام در سال ۱۳۵۹ ازدواج كرد، دو دختر و دو پسر دارد، بازنشسته سازمان تامين اجتماعي مي باشد.

در سال ۱۳۸۸ بعنوان ورزشي نويس برتر انتخاب شد و در سال ۱۳۹۰ از طرف شوراي شهر هم بعنوان روزنامه نگار فعال انتخاب گرديد.

هافبك سرحال، خوش فكر، خلاق و متفكر سابق فوتبالي ما كه از استعداد خوبي برخوردار بوده و در سن ۱۷ سالگي (۱۳۳۵) هم به تيم بزرگسالان ايرانجوان راه يافت هر چند كه بسيار بازيكن تكنيكي و سرحالي بود اما خيلي زود و در اوج از فوتبال خداحافظي كرد.

از خاطراتش بسيار گفت اما يكي از آنها خاص،



آموزنده و سرشار از احترام به رقيب بود و تعريف كردكه اوائل فوتبالم بود و يك روز زنده ياد جواد گرانبها در خيابان ديدم و گفت كه بايد بياي تيم شاهين و من چون احترام زيادي به آقاجواد قائل بودم، رفتم خدمت آقاي افشار ولي ايشان با خوشرويي و تواضع به من گفت كه وجود تو در تيم شاهين بسيار مؤثر و خوب



خواهد بود اما نمي توانيم اصول را ناديده بگيريم و شرمنده حضورت در تيم شاهين هستيم زيرا كه نبايد ايرانجواني ها را از خودمان دلخور نماييم و بذر نفاق بپاشيم !!!

از دوستي با شاهيني ها و بازي هاي درخشان عبدالمحمد وفايي، محمدرضا حمزه ئيان، احمد رزمي، زنده ياد احمد توراني، رضا ماهيني، ابراهيم رفعت و آنها را اسطوره هاي شاهين خواند و اشاره اي هم به كار فرهنگي كانون پيشكسوتان شاهين نمود و آن را تشبيه به بجا آوردن صله رحم نمود كه كاري بسيار خوب و پسنديده مي باشد و پيشنهادي هم داد تا در صورت امكان صندوقي جهت كمك به وضعيت مالي پيشكسوتان دائر شود تا بتوان از اين طريق مشكلات عزيزان پيشكسوت را حل نمود.

سركار خانم راستيان هم با خوش آمدگويي و



خرسند بودن از اين ديدار، دقايقي كوتاه سخن گفت و خاطره اي از حضور شاهين در ليگ برتر و پيگيري نتايج و نوشتن مقاله هاي متعدد توسط نادر فوتبال بوشهر و آرش هم پوشيدن لباس شاهين و برداشتن پرچم آن و راهي شدن به استاديوم تعريف كرد و مي گفت: در ٤٠ سالي كه با نادر خان زندگي مي كنم هميشه از مرام بزرگان شاهين، دوستي و رابطه خوب با آنان و خاطرات فراوان آن روزگار سخن گفته و الان هم با بسياري از آنان رابطه گرم و صميمي دارد.

در آخر نيز احمد رزمي لوح تقديري از طرف كانون پيشكسوتان شاهين بوشهر به استاد نادر اقدام تقديم نمود.

مهمان همراه ما هم آقاي ابراهيم فرهمند، مرد زحمتكش، مربي دلسوز و عاشقي بود كه سالهاي متمادي به فوتبال بوشهر خدمت نمود.

## همه اش تقصیر "مادام" است!

### چرا ونزوئلا به این فلاکت رسید؟

دکتر سعید معدنی



"همه اش تقصیر مادام است" این عنوان را از دکتر فریدون مجلسی نویسنده، مترجم و روزنامه نگار وام گرفته ام که این عنوان را برای یکی از یادداشت هایش بکار گرفته بود. من هم ابتدا مثل شما تعجب کردم که این کدام "مادام"!! است که از دید یک نویسنده متن های سیاسی، مقصر شناخته شده است.

با خواندن متن یادداشت ایشان فهمیدم که منظورشان حاکمیت "حاکمان مادام العمر" است.

به باور ایشان در دنیای مدرن کسانی که حکومت مادام العمر دارند برای مردمانشان فساد و جهل و عقب ماندگی به یادگار گذاشته اند.

به کوبا و مصر و سوریه و تونس و زیمبابوه و ونزوئلا و ده ها کشور دیگر بنگرید. همگی در قالب رییس جمهور و شاه و ... حاکمان مادام العمر داشته و یا دارند.

اگر این افراد حتی بهترین و سالم ترین انسان های روی کره زمین باشند باز هم سازمان ها، وزارتخانه ها و نهادهای زیر دست شان دچار فساد می شوند.

این حاکمان به لطایف الحیل خود را مادام العمر می کنند مثلا با انتخابات فرمایشی همانند صدام، موگابه، مبارک و...قباله حکومت را به نام خود می زنند.

شما تقریبا هیچ کشوری پیدا نمی کنید که رییس جمهور یا شاه دائم العمر داشته باشد و یک کشور توسعه یافته باشد. بدبختی ها و مشکلات ونزوئلا مال امروز و دیروز نیست از زمانی است که هوگو چاوز و جانشین اش با برگزاری انتخابات صوری خود را مادام العمر می کردند، شروع شد.

در اغلب کشورهای توسعه یافته حاکم قدرتمند اجازه ندارد بیش از دو دوره کاندیدا شود زیرا در این صورت دچار فساد و عقب ماندگی می شوند.

البته باید حساب کسانی مثل ملکه انگلیس و پادشاهان سوئد و اسپانیا و امپراطور ژاپن را جدا کرد. زیرا اینها فاقد قدرت هستند حضورشان صرفا سمبلیک و فرمایشی است و قدرت اصلی دست نخست وزیر یا مقام مسوول دیگری است که با ساز و کار حزبی به شکل موقت انتخاب می شوند.

زمانی از نلسون ماندلا اسطوره سیاهپوستان و آزادیخواهان جهان پس از دو دوره ریاست جمهوری خواستند تا به احترام ایشان قانونی بگذرانند تا رییس جمهور بیش از دو دوره هم بتواند کاندیدا شود، وی نپذیرفت تا با یک قانون مسخره رییس جمهور مادام العمر شود. ماندلا می دانست که ممکن است در زمان وی و یا رییس جمهور بعدی که مادام العمر می شوند فساد در دستگاه های حکومت ریشه دوانده و باعث نابودی جامعه شود.

اگر هوگو چاوز سنت حکومت موقت را جاری می کرد و اینکه هیچ کس نمی تواند بیش از دو دوره رییس جمهور شود، شاید ونزوئلای ثروتمند دارای نفت به یک حکومت فاسد و ناتوان با این فلاکت و با تورم چند هزار درصد دچار نمی شد.

سرنوشت زیمباوه (رابرت موگابه)، مصر (مبارک)، لیبی (قذافی)، عراق (صدام)، سوریه (حافظ اسد و بشار اسد) و ده ها کشور دیگر اگر حاکمان شان مادام العمر نبودند، به این فلاکت و بدبختی و عقب ماندگی دچار نمی شدند.

حتی اگر کشوری مثل عربستان با آن پادشاه مادام العمرش و این مدرن سازی ناقص و حکومتی، اگر در آینده به ساز و کار دموکراسی تن ندهد سرنوشتی مشابه شاه ایران خواهد داشت.

ما کشوری با حاکمان مادام العمر نداریم که جامعه توسعه یافته ای داشته باشند.

در مقابل تقریبا تمامی کشورهای توسعه یافته حاکمان موقت دارند و می توان آنها را پس از اتمام دوره مسئولیت بازخواست و حتی محاکمه کرد.

این روزها مصادف با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است. اگر شاه احمق نصیحت مصدق و بعدها علی امینی را می پذیرفت و موقعیتی مثل امپراطور ژاپن و یا پادشاه اسپانیا و ملکه انگلیس را برای خود قبول می کرد، و قدرت را به احزاب و نخست وزیران می سپرد، شاید شاهد انقلاب ۵۷ نبودیم. اما شاه می خواست رهبر قدرتمند و مادام العمر باشد. تا اینکه سرنوشتش با یک انقلاب و خیزش مردمی به سقوط انجامید و از ایران فرار کرد و در غربت مرد.

باور کنید همه اش تقصیر این "مادام" است.